

# هموطنان! از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان پشتیبانی کنید

**مردم**  
MAFF  
No: 45  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۱۲ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۵  
شنبه ۶ مردادماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

## نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

نامزدهای حزب ما سالها در حبس  
و تبعید و مهاجرت بوده، و عده‌ای  
از آنان، ربع قرن در زندانهای رژیم  
پیشین عمر گذرانده‌اند. صفحات ۵ تا ۹



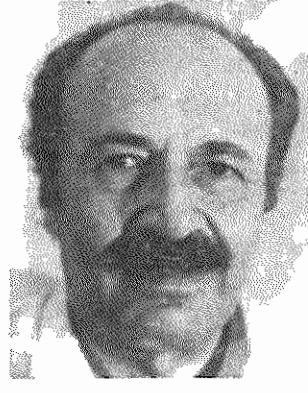
رفیق حسین جودت  
عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفیق انوشیروان ابراهیمی  
عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



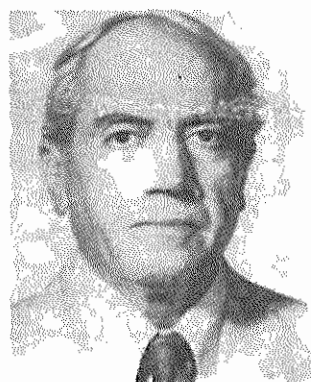
رفیق احسان طبری  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق نورالدین کیانوری  
دبیر اول کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



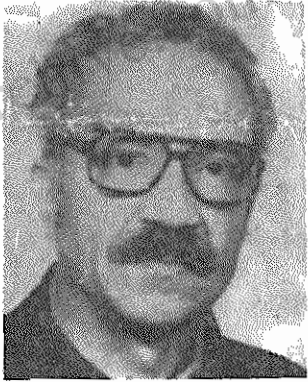
رفیق رضا شلتوکی  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق عباس حجری  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



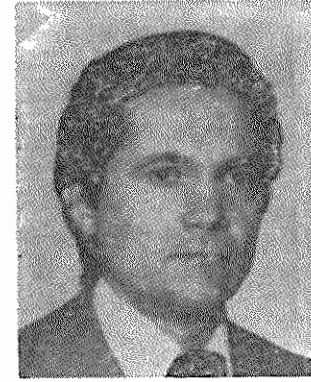
رفیق محمد علی عمونی  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



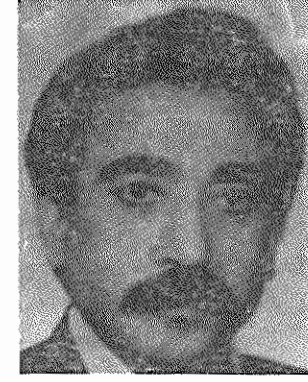
رفیق علی خاوری  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق مریم فیروز  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفیق صابر محمد زاده  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفیق آصف رزم‌دیده  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



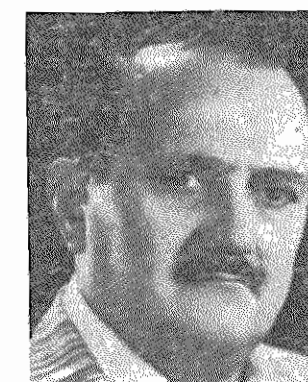
رفیق ابوتراب باقرزاده  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق حسین آذر  
از مسئولین سازمان ایالتی  
حزب توده ایران در اصفهان



رفیق غلامرضا روحانی شهرکی  
از مسئولین سازمان ایالتی  
حزب توده ایران در اصفهان



رفیق علی لامعی  
مسئول سازمان حزب توده  
ایران در بهشهر



رفیق علی اکبر مایل زاده  
از مسئولین سازمان ایالتی  
حزب توده ایران در خوزستان

## امیر یالیسم دیگر ابتکار تاریخی را در دست ندارد

■ سوسیالیسم بیش از پیش به عامل قاطع  
تکامل تاریخی مبدل میشود

صفحه ۳

از: احسان طبری

## سخنی درباره شناخت جامعه کشور ما

صفحه ۱۲

## روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است

صفحه ۴

## وحدت عمل تنها پاسخ قاطع به ضد انقلاب

صفحه ۱۰

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



# با «میهن عزیز» در چمدان، بسوی «ارض موعود» (کوچ مغزها و دلارها در برابر انقلاب خلق)

چنانکه می‌گویند، روزانه دوهزار ایرانی راهی امریکا و کانادا و کشورهای اروپای غربی می‌شوند و این دو برابر فصل کنونی در سال‌های پیش است. تردیدی نیست که بسیاری در میان آنها، که سفرشان بنحوی ازانحاء موجه و ضروری است، ولی بیش از آنند کسانی که در مقابل طوفان انقلاب خلق می‌گریزند.

چنانکه می‌گویند، روزانه دوهزار ایرانی راهی امریکا و کانادا و کشورهای اروپای غربی می‌شوند و این دو برابر فصل کنونی در سال‌های پیش است. تردیدی نیست که بسیاری در میان آنها، که سفرشان بنحوی ازانحاء موجه و ضروری است، ولی بیش از آنند کسانی که در مقابل طوفان انقلاب خلق می‌گریزند.

عشق به میهن، در ابتدائی‌ترین تعریفش، همگامی با مردم آن سرزمین در نیک و بد، فراز و نشیب است. ایران را در لحظات سرنوشتش رها کردن، به ایران ختجر زدن است. موقع غارتگری، «میهن پرست» شدن و مردم آن میهن را غارت کردن و موقع چرخش و تحول دشوار سرنوشت، جهان پرست شدن و مردم و میهن را ترک گفتن، شیوه انسانی و ایرانی نیست، صاف و ساده کلاهبرداری و دغلی است.

عشق به میهن، در ابتدائی‌ترین تعریفش، همگامی با مردم آن سرزمین در نیک و بد، فراز و نشیب است. ایران را در لحظات سرنوشتش رها کردن، به ایران ختجر زدن است. موقع غارتگری، «میهن پرست» شدن و مردم آن میهن را غارت کردن و موقع چرخش و تحول دشوار سرنوشت، جهان پرست شدن و مردم و میهن را ترک گفتن، شیوه انسانی و ایرانی نیست، صاف و ساده کلاهبرداری و دغلی است.

دوباره می‌گوئیم: ما طرفدار اصل حرکت و سفر آزاد هستیم. ولی هر آزادی، باید آزادی مسئول باشد. آیا جادار دولت گذرنامه و ارز را، بی‌مراعات مقتضیات و مصالح عمومی اجتماع، در اختیار هر فرست طلبی بگذارد؟

این ذوات محترم در دوران چرخش خود، یک‌گروه از انصار در دست «وطن پرستی» یافتن نمی‌آیند. تمام صحبتشان از «معنویات» بود. به «توده‌ای بی‌وطن» هر تانیه هزار لغت می‌فرستادند. ولی حالا می‌بینند در کشوری که نشود با مشت بنده و بست دلالت ناپاک، میلیونها به جیب زد، در کشوری که در آن بسا تک‌گرمای مردم راست می‌شود، در کشور بدون «مشروب» و بدون «تفریحات شیوا و روزها»، دیگر چه وطنی؟! برخیز! انتظار داشتند که الیکارشی پهلوی گوش را گم کند، راهزنان و گران دست پرورده این خانواده سراپا تبا، مانند هژبریزدانی‌ها و رحیم علی‌خرم‌ها و اقلانی‌ها و بسیاری امثال آنها، که اینک دارای پلیدشان ملی شده، نیز گوششان را گم کنند، اما آنها بتوانند جیب خالی آن رقیبان کردن سبیرا بگیرند، ولی حالا می‌بینند نغمه‌ها ناساز است. صحبت از عدل و «قسط» اجتماعی بمان آمده و کارگر و دهقان و دیگر تنگدستان دهمدم متشکل نمی‌شوند. دورنمای چابیدنه‌های کلان از میان می‌رود.

ما از شورای انقلاب و از دولت انتظار دیگری هم داریم و آن اینکه، به صد ها تن ایرانی که در دوران جور و ستم پهلوی مجبور به جلائی وطن شده‌اند و اینک با صد شوق دیده بر راهند، تا بایران بازگردند و در سرنوشت تحولی این کشور شریک شوند، امکان داده شود، هر چه زودتر به ایران بیایند. زیرا اصلا مفهوم نیست که دولت از سویی به زندان و دق‌لان گذرنامه فرامی‌دهد و از طرف دیگر به مشت یاران سمیم خلق و انقلاب حتی اجازه عبور ساده برای ورود به خاک آبا و اجدادی خود نمیدهد! منطق آن در نزد شاه مخلوع روشن بود. هر کس در زیر فشار رژیم بیک کشور سوسیالیستی پناهنده میشد، «بیکانه پرست» بود، ولی کسی که فقط به قصد فرار از مسئولیت و حفظ مال غنیمتی به امریکا می‌رود، «میهن پرست» است. آیدار نزد برخی از رجال دست‌اندر کار کنونی ما نیز این منطق کماکان باقی است!

با این تفصیلات، واقعا دیگر چه وطنی؟! کارشناسانی که برای پرورش و تجربیه عملی آنها میلیونها خرج شده، خود را با سرعت بازنشسته می‌کنند، پولهای کلانی بابت حقوق و مزایای بازنشستگی می‌گیرند، «میهن عزیز» را، که بخاطر آن حاضر بودند «شاهنشاه» نیمی از

دانش آموز ۱۶ ساله از زنجان ۴ - همراه ۵۰۰ ریال  
آزیتا - الف ۵۰۰ ریال  
روزبه - الف ۱۰۰۰ ریال  
مازیار - الف ۱۰۰۰ ریال

دانش آموز ۱۶ ساله از زنجان ۴ - همراه ۵۰۰ ریال  
آزیتا - الف ۵۰۰ ریال  
روزبه - الف ۱۰۰۰ ریال  
مازیار - الف ۱۰۰۰ ریال

مینو از قائم شهر ۱۰۰۰ ریال  
طاهر از قائم شهر ۱۰۰۰ ریال  
دفتری ۲۱۰۰۰ ریال  
شهاب از کازرون ۳۰۰۰۰ ریال

مینو از قائم شهر ۱۰۰۰ ریال  
طاهر از قائم شهر ۱۰۰۰ ریال  
دفتری ۲۱۰۰۰ ریال  
شهاب از کازرون ۳۰۰۰۰ ریال

افغانستان دوستی و برادری ما با این مردم رنج کشیده، وظیفه داریم که پرده دود تبلیغات را بکنار زنیم و نشان دهیم که در واقع چه میکنند و چگونه در آنجا امپریالیست‌ها و ارتجاع می‌خواهند بنام اسلام همان چیزی را بدست آورند که در ایران نیروهای مترقی اسلام از دستشان بدر آورده‌اند. شعر شما، دوست عزیز نهایید، نشانی از احساسات گرم شماس و امیدواریم با کار و مطالعه و آشنائی هر چه بیشتر با ارنیه غنی ادبی میهن ما، قریحه شما هر چه یربارتر شود و آثار هر چه بهتری ارائه نماید.

افغانستان دوستی و برادری ما با این مردم رنج کشیده، وظیفه داریم که پرده دود تبلیغات را بکنار زنیم و نشان دهیم که در واقع چه میکنند و چگونه در آنجا امپریالیست‌ها و ارتجاع می‌خواهند بنام اسلام همان چیزی را بدست آورند که در ایران نیروهای مترقی اسلام از دستشان بدر آورده‌اند. شعر شما، دوست عزیز نهایید، نشانی از احساسات گرم شماس و امیدواریم با کار و مطالعه و آشنائی هر چه بیشتر با ارنیه غنی ادبی میهن ما، قریحه شما هر چه یربارتر شود و آثار هر چه بهتری ارائه نماید.

**برق «زیارت» بر ازان جان را زودتر بدهید**  
روستای «زیارت» یکی از دهستان‌های پرجمعیت ابرازجان و در ۲ کیلومتری آن واقع است. دهقانان این روستا چنین مینویسند:

«چند ماه پیش مسئولان آمدند بروستای ما و پایه‌های برق را نصب کردند. با نصب پایه‌های برق نور امیدوی در دل ما ساکنین روستا بوجود آمد که بر قمان بزودی بکار میافتد و دیگر ناگزیر نیستیم بشهر کوچ کنیم و ترک دیار نمائیم. اما بعد از چند ماه که از نصب پایه‌های برق میگذرد، هنوز از نصب خود برق خبری نیست. انتظار داریم مقامات مسئول ترتیبی دهند که برق «زیارت»، روستای پرجمعیت ابرازجان زودتر بکار افتد تا ما بخاطر نبودن آب و برق روستای خود را ترک ننمائیم هر چند که طرح لوله کشی روستای ما شروع گردیده و دارند بروستا لوله کشی میکنند، منتظریم لوله کشی سریعتر به ده برسد و کار برق نیز معلوم شود.»

**از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:**  
۱ - ترجمه جدید اثر لنین درباره فریاد پریش انگلس از محمد پور هرمان  
۲ - ما تریالیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.  
**بزودی منتشر میشود:**  
ما تریالیسم دیاکتیک (کتاب اول) تألیف امیر نیک آئین.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.  
نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسبب قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نو، شعر فقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر بشهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبادان، بازم بسبب سرایندگان قدیمی و شعری بی‌امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.  
ما همچنین دوشهر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عصیان»، تقدیم به شهید تیزابی، و ششردوم با مطلع «آسمان خونین/ صداهای در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یوزیز حکمت‌چو، دریافت داشته‌ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان می‌یابد:  
«مادر، ای توده‌ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا وینتام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

# امپریالیسم دیگر ابتکار تاریخی را در دست ندارد

## سوسیالیسم پیش از پیش به عامل قاطع تکامل تاریخی مبدل میشود

یکی از اشتباهات اسلوبی که در جریان بحث‌های سیاسی در نزد افراد مختلف، حتی افرادی که دارای حسن نیت سیاسی و شیوه مترقی فکر هستند، دیده میشود، عبارت است از دیدن کهنه شده‌ای درباره سیاست جهانی.

در فاصله بین دو جنگ جهانی، امپریالیسم انگلستان و امپریالیسم آمریکا، دو نیمکره جهانی را بین خود تقسیم کرده بودند. آمریکا، تحت پرچم «امریکا مال آمریکاییان است»، «دکترین مونرو» و سیاست «اصطلاح عزالت‌گرایی»، به غارت آمریکا لاین و جزایر کارائیب و جزایر مینی از اقیانوس کبیر بسنده میکرد و چون خود دارای منابع ثروت عظیم بود و از کارسایان و دیگر رنگین پوست‌ها تا حد سردگی، بهره‌کشی بربرمنشانه میکرد، خود را به تکامل صلح‌آمیز سرمایه‌داری انحصاری، در عالیترین سطح آن، دلخوش ساخته بود و در ظاهر کاری به عرصه دپس عمومی «انگلساکسون خود نداشت».

### جنگ سرد

البته این کار برضا و رغبت آمریکا انجام نگرفته بود. آمریکا، پس از پیروزی بر آلمان قیسری در جنگ اول جهانی، خواست به عرصه قدرت رقبا انگلیسی، فرانسوی، پرتغالی، هلندی و ایتالیایی دست‌درآوردی کند. از جمله در مورد کشور ما میتوان آمدن کسانی مانند مورگان شوستر و میلیسو با ایران و تلاش‌های شرکت «دلوار» برای بهره‌کشی از نفت شمال ایران را بخشی از این سیاست دانست. ولی لندن موفق شد واشنگتن را به عقب‌نشینی و به اتخاذ سیاست «عزالت‌گرایی» (یعنی راهزنی تنها در منطقه خود) وادارد.

پس از جنگ دوم جهانی و شکست آلمان هیتلری و ضعف مغرط رقیب انگلیسی و رقیب دیگر، آمریکا زمینه را برای سطره‌جویی جهانی خود فراهم یافت و با تمام نیرو وارد میدان شد. سیاست «عزالت‌گرایی» خاتمه یافت.

در ایجاد چرخش در سیاست آمریکا پس از روزولت، انگلستان (ونخست وزیر وقت آن ونیستون چرچیل) نقش مهمی ایفاء کرد.

امپریالیسم آمریکا، چنانکه طبیعی و ناگزیر بود، بسوی «متحدین طبیعی»، یعنی امپریالیستهای دیگر روی آورد و آنها را در زیر پرچم خود جمع کرد و سطره خود را از راه بلوکهای ناتو، ستو، سیسو و ایجاد شبکه وسیع پایگاههای نظامی در جهان برقرار ساخت و کوشید تا نوعی محاصره جدید کشورهای سوسیالیستی بوجود آید. جان فوستر دالس وزیر خارجه وقت امریکاممار این سیاست بود، که به سیاست «جنگ سرد» شهرت یافت.

امریکا با تکیه انحصار برباطی، با تکیه آنکه از جنگ جهانی دوم سودهای کلان برده و هنگامی که صنایع شوروی را ارتش دشمنش مهاجم هیتلری نیست و نابود میکرد، امریکا صنایع مدرن اتوماتیک خود را ساخت، با تکیه در دست داشتن منابع ثروت آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، روی در روی اتحاد شوروی ایستاد و با خشونت و قساوت جنبش‌های انقلابی و رهایی‌بخش را سرکوب کرد و جانسوران آدم‌خواری از نوع محمد رضا پهلوی، سینگه مان ری (کوره) بنگودن دیم (ویتنام جنوبی) جان‌کای‌شک (چون) و امثال آنها را مورد حمایت قرارداد.

امریکا با تکیه انحصار برباطی، با تکیه آنکه از جنگ جهانی دوم سودهای کلان برده و هنگامی که صنایع شوروی را ارتش دشمنش مهاجم هیتلری نیست و نابود میکرد، امریکا صنایع مدرن اتوماتیک خود را ساخت، با تکیه در دست داشتن منابع ثروت آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، روی در روی اتحاد شوروی ایستاد و با خشونت و قساوت جنبش‌های انقلابی و رهایی‌بخش را سرکوب کرد و جانسوران آدم‌خواری از نوع محمد رضا پهلوی، سینگه مان ری (کوره) بنگودن دیم (ویتنام جنوبی) جان‌کای‌شک (چون) و امثال آنها را مورد حمایت قرارداد.

در جهت صلح و کاهش تنش، برسمیت شناختن مرزها، کاستن از تسلیحات، همکاری‌های مختلف در زمینه‌های علمی و فرهنگی، علی‌رغم خود، تن دردهند و کسول تلخ رهایی کشورهای مختلفی را در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین با چهره‌دردم کشیده و ترش کرده، بناچار بیلند. امضاء قرارداد «سالت ۲» که اخیراً در وین انجام گرفته، یک حادثه نمونه و اراست. رژیم کاتر - برژینسکی، چندسال پیش، باین قصد سرکار آمد که جلوی «تسلیم طلبی» دولت نیکسون را بگیرد و ضرب برب نوترون، موشک بالدار، زیر دریایی «ترایدنت»، هواپیمای آواکس، هواپیمای «ام‌ایکس» و دیگر سلاحهای نوساخته، سوسیالیسم را وادار به عقب‌نشینی کند. ولی فرستاده کاتر، ونس، از همان آغاز با صا چهره مصمم و بی‌اعتنای اندره گرومیکوروبر شد و همان موقع دانست که «کورخوانده است».

### گوز حقوق بشر

کار تر تصور میکرد که میتواند علاوه بر تسلیحات جدید که برشمریم، همچنین با گوز «حقوق بشر» و باتکاء وازدگانی از نوع ساخاروف، سوک نیتسین، بیکوسکی و پلویچ و امثال این قبیل اشخاص، گوید در کشورهای سوسیالیستی «انقلاب امریکائی» برپا کند، ولی حوادث ایران و نیکاراگوئه نشان دادند که این تیر پرتابی به جناب ایشان باز نمیگردد و خلتها توکران جبار پنتاگون از نوع محمدرضا و ساموئیل در جهان برملا میکنند و روشن میسازند که بزرگترین لگدمال‌کننده حقوق بشر «کاخ سفید» و سنای امریکاست که برای جلا دادن رژیم پهلوی سوگواری برآه می‌اندازد.

هر کس میخواهد در سیاست اشتباه نکند، باید از پیدایش این کیفیت نوین آگاہ باشد و بداند که وضع در جو تاریخ تغییر کرده است.

امپریالیسم ابتکار تاریخی را از دست داده است و در انواع مضللات خود مایوسانه دست و پا میزند. سوسیالیسم ابتکار تاریخ را محکم در دست دارد. تناسب نیروها بزبان امپریالیسم و بسود سوسیالیسم دیگر گون شده است. امپریالیسم و برراس آن امپریالیسم امریکا، بطور نسبی ناتوان تر شده است، البته این ابداً بآن معنا نیست که امپریالیسم هنوز منبع خطرات مهم نیست و امکانات وسیع در اختیار ندارد و «بیرکافندی» است و نمیتوان آنرا نادیده گرفت. چنین تصورات دل خوش ساز، گمراهی عظیمی است. امپریالیسم بحد اعلا فعال، غدار، قسی، مکار، با تجربه و مجهز به انواع وسائل، از مدرن‌ترین تکنیک تا صدها میلیون نیروی انسانی است. بسیاری از مختصات روحی متداول مانند ملت‌گرایی، خرافات، عشق به مالکیت، تلقی غلط از آزادی و دمکراسی، ذخائر معنوی برای امپریالیسم است. لذا امپریالیسم کماکان در کار حمله و حمله متقابل است. ولی علی‌رغم همه اینها، تاریخ دیگر قرقگاه بر رقیب امپریالیسم نیست و سوسیالیسم در تعیین سرنوشت انسان نقش درجه اول ایفاء میکند. ما با خوش بینی علمی و موفق به آینده مینگریم.

### خرم آباد روبه آرامش می‌رود

وضع انفجاری خرم آباد، که عناصر افسراطی راست و چپ مسبب ایجاد آن هستند، روبه آرامش می‌رود. نفوذ متولین و عناصر مشکوک در کمیته‌ها، توطئه های گروهک‌های مائوئیستی، که با دادن شمارهای تحریک کننده بهانه بدست عوامل مشکوک کمیته‌ها میدهند و تحریکات دانسته یا ندانسته قشرون، خرم آباد را تا آستانه انفجار پیش‌برد. بمداز حمله افراد تحریک شده به کتابفروشیها و سوزاندن کتابها، انوشیروان رضایی، یکی از پاسداران شهر، با گلوله ضد انقلاب بشهادت رسید. بدنبال شهادت این پاسدار مترقی، گروههای مترقی فعالیت برای آرام کردن شهر را آغاز کردند. از جمله هواداران حزب توده ایران، با انتشار اعلامیه‌ای، امپریالیسم امریکا و بازماندگان رژیم پهلوی و زخم خوردگان از انقلاب ایران را مسبب این جنایت معرفی کردند و خواستار اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای مقابله با جنایات و توطئه های ضد انقلاب شدند.

بدنبال فعالیت نیرو های مترقی، فضای شهر، که بدنبال فعالیت افراد مشکوک حالت انفجاری داشت، کم‌کم آرام میشود، نیروهای مترقی و ویژه حزب توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات، میکوشند محیط دموکراتیک در خرم آباد ایجاد کنند.

### تصحیح

رفیق حسین جودت، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است، که متأسفانه در شماره گذشته، اشتباهات و کمیته مرکزی ذکر شده است. بدینوسیله، با پوزش، تصحیح میشود.

## کمونیستهای سراسر جهان از انقلاب ایران دفاع میکنند

خوانندگان گرامی میرسانیم؛

مذبح‌خانه‌ای را در ایالات بلوچستان و کردستان و ایالت نفتخیز خوزستان آغاز کرده‌اند و در روز بعد روزنامه لوموند نوشت که ترورها از طرف امپریالیسم امریکا نقشه ریزی و انجام شده است. پس از پیروزی انقلاب فوریه (بهمن ۵۷)، ایران از پیمان ستوخارج گشت، تحویل نفت را به اسرائیل و آفریقای جنوبی متوقف ساخت، پشتیبانی خود را از انقلاب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد، سیاست خیانکارانه و سازشکارانه سادات را محکوم نمود و تمایلی خود را به پیوستن به جرگه کشورهای غیرمتعهد اعلام نمود. به این صفت‌گیری‌های مثبت سیاست خارجی ایران، اقدامات مترقی دیگری مانند کوتاه کردن دست انحصارات نفتی بین‌المللی از نفت ایران و اعمال واقعی قانون ملی شدن صنایع نفت،

«پس از شکست مفتضحانه‌ای که در حمایت از تخت و تاج شاه مخلوع نصیب امپریالیسم یانکی گشت، امریکا درصدد برآمد که به کمک توطئه و ارباب و با استفاده از مسائل ویژه داخلی ایران، مانند مسئله اقلیت‌های مذهبی و بی‌بها و وجود ملیت‌های مختلف در داخل کشور، اوضاع را متشنج کند و پسا‌های حکومت موقت انقلابی ایران را متزلزل سازد. هنگامی که امپریالیسم متوجه شد که، بملت یکپارچگی ملت، نتایج مورد نظر از این راه حاصل نمی‌شود سعی خود را متوجه ایجاد تفرقه بین نیروهای طرفدار انقلاب کرد و در این راه از طرق سیاسی و حتی با استفاده از ترور فردی اقدام به عمل کرد. با در نظر گرفتن واقعیت‌های فوق است که آیت‌الله خمینی، طی لفظی در پی وقایع نامبرده گفت که، امپریالیست‌های امریکائی تحریکات

به هنگامی که روزنامه‌ها و وبگاههای سخن پراکنی وابسته به محافل امپریالیستی، انقلاب ما را آماج تیر حملات خود قرارداده‌اند و با وارد کردن تهمت‌های ناروا و دیگر گون ساختن واقعیت‌های جامعه ما درصددند که آب رفته را بجوی بازگردانند و منافع نامشروع ناشی از چپاولگری‌های خود را مجدداً برقرار سازند، هستند نیروهای ترقیخواهی که با ننگ رسای خود را در پشتیبانی از انقلاب ما، در چهار گوشه جهان، بگوش همگان می‌رسانند و صدقانه از مبارزه خلق‌های درگیر با امپریالیسم جهانی، و در رأس آن امپریالیسم امریکا، حمایت میکنند. درصوف اول این مبارزان، در سرتاسر جهان، در همه حال کمونیستها، این انقلابیون صدیق و مردمی و این انترناسیونالیست‌های بی‌گیر و واقعی قراردادند. در حالیکه تمام مطبوعات بورژوائی در رادیو و تلویزیونهای کشورهای غربی علیه انقلاب ایران و رهبر آن دروغ و تهمت پخش میکنند و میکوشند چهره خوفناکی از اوضاع مبین ما را بهمگان معرفی کنند، نشریات احزاب کمونیست و کارگری بدفاع از انقلاب خلق ایران برمی‌خیزند. بعنوان نمونه خلاصه مقاله مسیوپی را، که تحت عنوان «تجزیه و تحلیل سیاست امریکا نسبت به ایران» در نشریه «تریبونا یوولار» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا، انتشار یافته است، با اطلاع

برچیدن دستگاههای جاسوسی الکترونیکی مدرن امریکا بر علیه اتحاد جماهیر شوروی و سایر اقدامات را می‌توان افزود... تریبونا یوولار، روزنامه کمونیست‌های ونزوئلای، سپس به هیاهوی محافل امپریالیستی در سنای امریکا اشاره می‌کند و پس از بر ملا ساختن رابطه سناتور جاویس با شاه مخلوع و اینکه این شخص سالانه ۷۰ میلیون دلار از طریق هواپیمائی ملی ایران از دولت ایران دریافت میکرد، مینویسد که «عمل سنای امریکا نشان دهنده خشم محافل امپریالیستی در رابطه با از دست رفتن منافع نامشروع غارتگرانه آنها در ایران است...» چنین است خلاصه‌ای از تفسیر روزنامه تریبونا یوولار، ارگان مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا درباره ایران. و این فقط نمونه‌ای است از این واقعیت که در سراسر جهان کمونیست‌ها، کسه به امر بزرگ همبستگی بیکار جوانان خلق‌ها علیه امپریالیسم وفادارند، علیه موج عظیم تبلیغاتی انحصارهای امریکائی بر ضد انقلاب ایران، بهاخته‌اند و در رأس همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی راستین از انقلاب ما دفاع می‌کنند.

# لزوم قطع رابطه ریال و دلار و بهبود سیستم ارزی کشور

## سود کلانی که سرمایه‌داری بزرگ وابسته میبرد

در اوایل سال ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳)، یعنی هنگامی که محمد یگانه عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا، رئیس بانک مرکزی ایران بود، محافل پولی بین‌المللی در رأس آن امپریالیسم آمریکا، آنگنان سیستم نرخ ارزی را به دولت ایران تحمیل کردند که نه تنها مانع تمهید و تغییرات بموقع و مناسب نرخ ریال با دلار و سایر ارزهای خارجی می‌شد، بلکه هنگامی که ارزش دلار در بازارهای جهانی نسبت به پولهای اروپائی و ژاپن بالا می‌رفت، بجای تنزل مناسب ارزش ریال در مقابل دلار، قیمت دلار آمریکا نسبت به ریال ایران کاهشی مییافت. یعنی بجای آنکه کالاهای آمریکائی سخت‌تر و گران‌تر وارد کشور شود، بالعکس قیمت واردات از آمریکا ارزان‌تر می‌شد. تغییرات متعددی هم که در برابر ریال و دلار در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ ایجاد شد، نه تنها مخالف منافع خلق‌های ایران و حتی سرمایه‌داران و کشاورزان ملی و غیر وابسته به اجنبی بود، بلکه کاملاً بضرر غارتگران بین‌المللی، خصوصاً سر دسته غارتگران، یعنی امپریالیسم آمریکا تمام شد. تنها گروهی که از این سیاست‌ها در داخل کشور بهره‌مند شد، قشر انگل صفت سرمایه‌داری بزرگ وابسته بود.

از جمله سایر عوارض اقتصادی ناشی از سیستم تحمیلی محافل پولی بین‌المللی، سهل‌تر شدن خروج سرمایه و ارز و تشویق به فرار سرمایه از ایران بود. البته عدم تعادل بین ارزش ریال و دلار، که مستقیماً ناشی از وابستگی ریال به دلار بود، تنها علت فرار سرمایه از کشورمان نبود. ما در اینجا به سایر عوامل اقتصادی و سیاسی نمی‌پردازیم و فقط به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که چون ارزش ریال بالاتر از حد متعادل و ضروری آن تثبیت شد، سرمایه‌داران، زمین بازان و دلالاتی که در اثر سیاست غلط ضد مردمی رژیم ساقط شده پهلوی ثروت هنگفت و بدون زحمتی کسب کرده بودند، با خرید دلار ارزان‌تر از نرخ واقعی، ارز بیشتری بپوشاک آوردند و به کشورهای غربی، به خصوص آمریکا صادر کردند. هر چند آمار رسمی خروج سرمایه از کشور در دست نیست، ولی بجز این می‌توان گفت که طی سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۸، بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارز از ایران خارج شد، در حالی که رژیم بیگانه پرست شاه مخلوع، از دادن اعتبار جهت تاسیس درمانگاه و مدرسه و دیگر تاسیسات عام‌المنفعه ضروری خودداری می‌کرد.

## کمک به هدایت اقتصاد ایران در جهت تامین منافع زحمتکشان

بطور خلاصه، از آنچه که ذکر شد، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نقش ارزش خارجی ریال و نحوه تسدوین ارزش گذاری آن در مقابل ارزهای خارجی، بخصوص دلار، که اکثر دریافتها و پرداختهای ارزی کشورمان بر حسب آن انجام می‌شود، حائز اهمیت فراوان است. عمده‌ترین نقش سیستم ارزی، کمک به هدایت اقتصاد کشور در جهت تامین منافع زحمتکشان و سرمایه‌داران ملی است. از این وسیله هم می‌توان در جهت حفظ منافع ملی و تحکیم دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران استفاده کرد و هم در جهت تخریب اقتصادی. چنانچه این ابزار مهم آگاهانه و با مطالعه دقیق مورد استفاده واقع نکرد، آثار و عوارض نامطلوبی که هم‌اکنون در اثر خیانت رژیم فاشیستی و مدفون پهلوی وجود دارد، گسترش خواهد یافت و یا لاقلاً معضلات موجود، حل نشده باقی خواهد ماند.

ما در شماره آینده به بررسی تصمیمات متخذه توسط بانک مرکزی ایران خواهیم پرداخت و آن سیستم ارزی مناسبی را که حافظ استقلال و منافع ملی کشورمان است، تشریح و پیشنهاد خواهیم کرد.

## رژیم ضد خلقی شاه مخلوع، که وجهه مشخصه

آن خدمت به اربابان امپریالیست و در رأس آن‌ها امپریالیستهای آمریکائی بود، برای فراهم کردن امکان غارت منابع طبیعی و استثمار نیروی کار کشور ما، نه تنها از وسائل سرکوب مانند ارتش و ساواک استفاده می‌کرد، بلکه از ابزارهای اقتصادی نیز بهره‌می‌جست. اجرای سیاست درهای باز اقتصادی، افزایش مخارج غیر تولیدی و نظامی، در جهت ازدیاد درآمد اقلیتی از افراد جامعه و بفتح انحصارات و سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی از جمله این ابزار بودند.

دولت ضد مردمی و نوکرسفت هویدای معدوم در سال ۱۹۷۴ سیاست اقتصادی خود را ازدیاد مصرف از طریق وارد کردن کالا و خدمات از کشورهای غربی اعلام کرد، اما این اقدامات، یعنی افزایش مخارج غیر تولیدی کشور، خریدهای هنگفت نظامی و ایجاد تسهیلات و شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری کشورهای امپریالیستی، اربابان جهان‌خوار شاه مخلوع را راضی نمی‌کرد. برای صدور هر چه بیشتر کالا به ایران میبایست صنایع و تولیدات کشاورزی ایران نابود می‌شد و یا لاقلاً قدرت رقابت خود را در مقابل کالاهای وارداتی از دست میداد تا از یکسو احتیاجات کشور به واردات و در نتیجه به صدور نفت هر چه بیشتر افزایش یابد و از سوی دیگر وابستگی و تولیدات و کالاهای ساخت غرب بیشتر شود.

رژیم فاسد پهلوی برای اینکه کشورهای سرمایه‌داری غرب بتوانند محصولات صنعتی و کشاورزی خود را در ایران سهل‌تر و آسانتر بفروش برسانند، ارزش ریال ایران را به دلار آمریکا وابسته کرد. دلیل عمده این عمل این بود که از تغییر بموقع و مقتضی نرخ برابری ریال و دلار جلوگیری شود تا برای یک مصرف کننده ایرانی، خرید کالاهای خارجی ارزانتر از خرید کالاها و محصولات ساخت وطن تمام شود.

## صدمات اقتصادی ناشی از ارتباط اسارت با ریال و دلار

برای درک بهتر عوارض و صدمات اقتصادی ناشی از ارتباط اسارت با ریال و دلار ذکر توضیحاتی ضرورت دارد.

هنگامی که دو کشور با یکدیگر مبادلات بازرگانی دارند، بهای کالاهای وارداتی و صادراتی آنها بر اساس نرخ ارزی که بوسیله عوامل اقتصادی تعیین شده است، پرداخت یا دریافت می‌گردد. هنگامی که در کشور اول افزایش قیمت‌ها سریعتر و بیشتر از کشور دوم باشد، طبیعی است کشور اول برای حفظ بازارهای داخلی و خارجی خود مجبور است یا ارزش پول خود را در مقابل کشور دوم تنزل دهد یا بطور جدی با تورم مبارزه کند. چنانچه کشور مورد بحث نتواند تورم داخلی خود را کاهش دهد و نیز ارزش پول خود را پائین نیاورد، کالاهای وارداتی از موقعیت رقابتی بهتری از کالاهای ساخت داخل برخوردار میشوند، زیرا تورم کشور خارجی کمتر از داخل بوده است و در نتیجه کالاهای خارجی ارزان‌تر از محصولات داخلی بفروش میرسد. ذکر این نکته ضروری است که عوامل دیگری نیز در تشدید یا تخفیف این عوارض دخیل هستند، ولی ما در اینجا برای سادگی مطلب از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

طی سالیان دراز، دوائر سیاستهای خائنانه اقتصادی، پولی، مالی و ارزی رژیم مزدور شاه مخلوع، طبق آمارهای رسمی، که حتی در صحت آنها هم تردید وجود دارد، نرخ تورم و افزایش قیمت کالاهای مصرفی در ایران همواره بیشتر از کشورهای سرمایه‌داری، بخصوص آمریکا، آلمان غربی، ژاپن و فرانسه، یعنی عمده‌ترین شرکای تجارت خارجی کشورمان بوده است. مثلاً در سال ۱۹۷۵، نرخ تورم در ایران حدود ۱۳ درصد بود، حال آنکه افزایش قیمت‌ها در آمریکا و آلمان غربی به ترتیب ۹/۲ درصد و ۳/۵ درصد بود. به همین ترتیب در سال ۱۹۷۶، نرخ تورم در ایران بیشتر از ۱۱ درصد و در همان سال نرخ تورم در آمریکا از ۶ درصد تجاوز نکرد. در سال ۱۹۷۷، که آمار و عوارض نامطلوب سیاستهای ضد ملی رژیم ضد خلقی شاه مخلوع بیشتر مشهود گشت، نرخ تورم در ایران (باز هم طبق آمار رسمی غیر قابل اعتماد) از ۲۰ درصد گذشت و به حدود ۲۷ درصد رسید، ولی نرخ تورم در آمریکا نزدیک به ۷ درصد بود.

بدین ترتیب، همان‌طوریکه تشریح شد، برای حفظ بازارهای داخلی کشور از دستبرد غارت امپریالیسم جهانی، ارزش ریال در مقابل دلار میبایست کاهش مییافت و طبق محاسبات مقدماتی، ارزش هر دلار بجای نرخ رسمی فعلی ۷۰/۶ ریال میبایست به رقم حدود ۹۰ ریال میرسید.

## فرار استثمارگران

ظاهراً حکومت خیمه شب‌بازی اسقف موزوروا در رودزیا نتوانسته است سفیدپوستان را، که از اوج گیری قیام سیاهان بگریزند، آرام کند. به گزارش رویترا اکنون هر ماه بطور متوسط هزار سفید پوست از رودزیا خارج میشوند. موزوروا گفته است هر کس که از کشور خارج شود، برای ورود مجدد باید ۲۸ هزار دلار

# روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است

روند بازسازی ارتش بگونه‌ای آغاز شده و ادامه دارد که ابتدا در جهت نوسازی ارتش، در جهت ایجاد یک ارتش ملی و خلقی نیست. مقامهای مسئولی که در کار بازسازی ارتشند، باید این واقعیت را بدانند که هر انقلابی میبایستی ارتش خود را بوجود آورد، و مادام که انقلاب ایران از نظر محتوا و هدف انقلابی، ضد امپریالیستی (ملی) و ضد استبدادی (دموکراتیک و خلقی) است، پس ارتش رژیم و از گون شده ضد ملی و ضد خلقی، میبایستی از بنیاد نوسازی شود، وگرنه بازسازی ارتش بصورت سابق، ایجاد قدرتی بسا خطرناک برای آینده انقلاب خواهد بود.

بیش از ۵ ماه است که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ولی هنوز نه فقط ارتش از عناصر ضد انقلابی پاک نشده، بلکه سازمان «ضد اطلاعات» ارتش، که چیزی جز «ساواک» ارتش نیست و بدست مستشاران نظامی آمریکائی برای برقراری سیستم جاسوسی و کنترل پنتاگون در نیروهای مسلح ایران، ایجاد شده بود، احیاء گردیده و مجدداً مشغول «کار» شده است. گروهی (بیش از دویست نفر) از مستشاران نظامی آمریکائی هنوز در حساسترین جاهای ارتش باقی و مشغول «فعالیتند». کوششی برای گسستن وابستگی تسلیحاتی ارتش بعمل نیامده که سهل است، یدکی برای تانکهای چینی با کشتی وارد بندر جنوب میشود و نیز زمزمه‌هایی هر روز قویتر بکوش میرسد که، باید تسلیحات جدیدی از آمریکا خریداری کرد.

در چنین اوضاع و احوالی، که ابتدا با انقلاب ایران سازگار نیست، کوشش مجدداً برای عمل می‌آید که ارتشیان را از گرایش بسوی آگاهی از مسائل سیاسی که پیدا کرده‌اند، بازدارند، تبلیغاتی را که در گذشته بسود حکمروائی امپریالیسم آمریکا در ارتش بعمل می‌آمد، رفته رفته برپا کنند و چون اینسکار در حال حاضر علناً دشوار است، تبلیغات ضد شوروی را، که در گذشته در ارتش رواج داشت، دوباره شایع و رایج سازند و با علم کردن خطر موهوم شوروی، اتحاد با آمریکا را «ضرور» جلوه دهند. علاوه بر این، کوشش مجدداً برای عمل می‌آید که دوباره اطاعت کورکورانه راجع عنوان «لزوم انضباط» در ارتش برقرار سازند.

خلاصه روندی در بازسازی ارتش جریان دارد که اگر متوقف نشود، ارتش را میتواند بدل به نیروئی گرداند که دشمنان خارجی (امپریالیسم) و داخلی (بازمانده‌های رژیم شاه مخلوع) بتوانند آنرا بصورت بمبی بسا ماسوره تأخیری علیه انقلاب بکار برند.

یک چنین روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است و تمام مقامات دولتی و ارتشی که وفادار به انقلابند، باید با قاطعیت از جریان آن جلوگیری کنند و به نوسازی ارتش، نوسازی بنیادی آن به یک ارتش ملی (مدافع مرزها و تمامیت ارضی کشور) و خلقی (همراه با خلق، پشتیبان خلق و برخوردار از پشتیبانی خلق) بپردازند. برای این کار باید «ضد اطلاعات» کنونی ارتش منحل گردد و مستشاران نظامی آمریکائی، این مأموران پنتاگون در ارتش ایران تا آخرین نفر اخراج گردند. ساختار نوع آمریکائی ارتش دگرگون شود، از وابستگی تسلیحاتی، تبلیغاتی، تبلیغاتی آن رها گردد، در ارتش انضباط آگاهانه و معنوی، بر مبنای ارتقاء آگاهی سیاسی ارتشیان و شرکت آزاد آنان در سیاست، برقرار شود.

در یک کلام، در برابر مقامات مسئول دو راه قرار دارد، یا ارتش را چنان بازسازی خواهند کرد که بصورت ارتش سابق درآید و یا ارتش را از بنیاد نوسازی خواهند کرد، چنانکه بدل به یک ارتش ملی و خلقی شود. آن بازسازی، یعنی ایجاد خطر جدی و مهلک برای انقلاب، و این نوسازی، یعنی تامین و تضمین انقلاب. ما خود را وظیفه دار میدانیم که به مسئولان نظامی و غیر نظامی هشدار دهیم که روند نوسازی ارتش در عکس جهت، بزبان آینده انقلاب جریان دارد. باید از آن جلوگیری و بی‌درنگ و بسا قاطعیت به نوسازی بنیادی ارتش پرداخت.

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

### هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فعالیت‌های اعضای، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضای، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقاته علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۳۵۷۳۸، ۹۳۵۷۳۹، ۹۳۴۴۵۹۹- آمارگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

- ۱- حساب بانکی به نام تقی کی‌منش و به شماره ۴۴۴۳، شعبه ۶۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
- ۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۳۱۹۰ بانک صادرات

# هموطنان! از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان پشتیبانی کنید

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) معرفی کرده است. نامزدهای حزب ما، همگی از پشتوانه افتخارآمیزی از مبارزه علیه امپریالیسم وارتجاع، برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران برخوردارند. آنان طی چند دهه مبارزه، رنجهای فراوانی کشیده، پایداری در مبارزه از خود نشان داده، جس و کبیله و مهاجرت متحمل شده و عده ای از آنان، تحت دشوارترین شرایط، ربع قرن بیشتر یا کمتر در زندانهای رژیم پیشین عمر گذرانده اند.

نامزدهای حزب ما، این بیانگران صدیق منافع طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش، مدافع اصول مترقی پیش نویس قانون اساسی و اصول پیشنهادی حزب ما در جهت تامین استقلال و دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و دفاع از منافع زحمتکشان و تعمیق روند انقلاب هستند.

بر اساس اصول پیشنهادی حزب توده ایران، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و همچنین برنامه ریزی منظم دولتی قرار میگیرد. بخش دولتی بمنابۀ عامل عمده اقتصاد کشور در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند و بخشهای تعاونی و خصوصی در چارچوب منافع و مصالح ملی مورد حمایت قرار میگیرند.

اصول پیشنهادی حزب توده ایران حق کار برای هر یک از افراد کشور را از بدیهی ترین حقوق انسانی بشمارد و یکی از نخستین وظایف دولت را ایجاد آنچه شرایطی میدانند که بر شالوده آن تمامی مردم بتوانند بشغل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و با کار جسمی و فکری خویش روند تکامل مترقی کشور را تسهیل کنند. حزب ما معتقد است که حق کار و حق تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای باید برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده در قانون اساسی تامین شود.

حزب توده ایران از خودمختاری خلقهای ایران در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی ایران جانبداری میکند و معتقد است که در قانون اساسی باید آزادی آموزش زبان مادری، استفاده از آن در زمینه آموزش و پرورش عمومی و تعلیمات دانشگاهی و حرفه ای روستائی گنجانده شود و خلقها از حقوق مسلم خود در زمینه وصول و مصرف مالیاتهای مستقیم و عوارض محلی برای تامین بهداشت و فرهنگ و حفظ امنیت داخلی شهرها برخوردار گردند. تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسائی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی از اصول عقیدتی حزب توده ایران است.

حزب توده ایران تامین برابری حقوق زن و مرد را شرط اساسی تحول بنیادی جامعه میدانند و معتقد است که برابری کامل حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان با مردان باید روشن، صریح و بی خدشه در قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد و کلیه تبعیضها از میان برداشته شود.

حزب توده ایران طرفدار آنست که شیوه انتخاب نمایندگان مجلس و شوراهای باید دموکراتیک باشد و کرسی های نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آرائی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع گردد.

حزب توده ایران در زمینه سیاست خارجی از سیاست عدم تفرقه، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی بر بنیان حفظ صلح جهانی، عدم تجاوز بخواه سایر کشورها، حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها پشتیبانی میکنند. حزب توده ایران معتقد است که اصول فوق باید بعنوان اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی گنجانده شود.

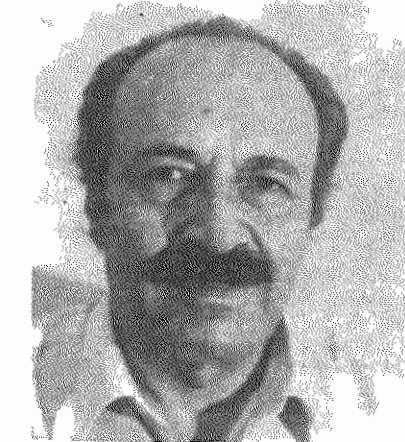
حزب توده ایران داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی را حق طبیعی تمام افراد کشور میدانند و معتقد است که مسئله مسکن، بعنوان یکی از عمده ترین مشکلات اجتماعی، باید در مرکز توجه قانون قرار گیرد و با یک سلسله تدابیر سنجیده به حل آن کمک شود. از آنجاکه حزب توده ایران یکی از بدترین، ننگین ترین و نفرت انگیزترین خصصت رژیم پیشین را، خصصت شکنجه گری آن میدانند، معتقد است که در قانون اساسی آینده ایران باید هرگونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت باشخاص، چه بدستور مقامات دولتی و قضائی و چه خود سرانه از جانب مأموران دولتی، جداً منع و در صورت ارتکاب، مجازات مقتضی در نظر گرفته شود. حزب ما معتقد است که در جمهوری اسلامی ایران باید به شکنجه جسمی و روانی انسانها برای همیشه پایان داده شود.

حزب توده ایران، همانطور که در اعلامیه مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸ خود یاد آور شده است:

درباره دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر تثبیت و گسترش آن و برای عقیم ساختن توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب در کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت میجوید... حزب توده ایران پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب و مبارزه برای تثبیت و گسترش آن و پشتیبانی از رهبری امام خمینی را از شرایط اساسی یک نامزد شایسته مجلس خبرگان میشمرد... حزب توده ایران آماده است تا تمام مساعی خود را در راه تنظیم یک قانون اساسی در خورد انقلاب ایران و خلقهای فداکار این سرزمین بکار برد.

نامزدهای حزب ما، که در کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت میکنند، منادیان حزب ما برای حصول به هدفهای متعالی و مترقی پیش گفته اند. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، از همه مردم میهن دوست، آزاد بخواه و ضد امپریالیست دعوت میکنیم که موفقیت نامزدهای حزب ما را تسهیل کنند و آنان را در انجام وظایف میهنی خویش یاری دهند.

## نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان



۴۴ سال فعالیت سیاسی توأم با زندان و مهاجرت

رفیق نورالدین کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب، نامزد نمایندگی مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران است. رفیق نورالدین کیا نوری از مبارزان بی گبر و آزاده است که در دامن حزب توده ایران پرورش یافته و بر پایه لیاقت و آگاهی و فعالیت خستگی ناپذیر سیاسی خود، بمقام عالی دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب شده است. اولین تماس رفیق کیا نوری با جریان سیاسی انقلابی، در سال ۱۳۱۴، با گروه جوانان همکار دکتر ارنانی و اولین فعالیت سیاسی وی، شرکت فعال در اعتصاب دانشکده فنی بود. رفیق کیا نوری، در ۱۳۱۴، برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در آنجا، در ارتباط با گروههای مخفی انقلابی، آموزش یافت و در جریان همین فعالیت، گزارشهایی علیه او به پلیس رضاخان در تهران رسید. رفیق کیا نوری پس از خاتمه تحصیل (دکتر مهندس معماری) در سال ۱۳۱۹ به ایران بازگشت و به خدمت وظیفه رفت. وی ابتدا، مانند همه مشمولین دارای تحصیلات عالی، به دانشکده افسری فرستاده شد، ولی پس از دو ماه، بر اثر اقدام رسمی شهربانی مختاری و حکم رسمی ستاد ارتش، بعنوان عدم صلاحیت سیاسی، از دانشکده افسری احتیاط اخراج و بعنوان سرباز ساده، برای خدمت به واحد باغشا اعزام گردید. رفیق کیا نوری، در آذرماه ۱۳۲۰، با اعتراض به این حکم غیر قانونی، از خدمت معساف گردید و در اردیبهشت ۱۳۲۱ عضو حزب توده ایران شد، عرصه فعالیت او در آغاز بویزه در میان دانشکاهیان بود.

رفیق کیا نوری در کنکره اول حزب، به عضویت کمیسیون تقشیر مرکزی، و پس از سرکوب جنبش آذربایجان، به عضویت هیئت اجرایی موقت انتخاب شد. رفیق کیا نوری در مبارزه با جریان انحلال طلبی و راست گرایی خلیل ملکی و در مبارزه باننشعب، شرکت فعال داشت. وی در کنکره دوم حزب به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجرایی انتخاب شد. رفیق کیا نوری پس از شش ماه کودتای ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و پرورش امپریالیسم و ارتجاع به حزب توده ایران، بازداشت و زندانی شد. وی در جریان دادرسی در بیدادگاه نظامی، بدفاع جدی از سیاست حزب در دفاع از استقلال و آزادی ایران پرداخت و از جنایات و توطئه های استعماری در کشور پرده برداشت و از حقوق ملی و استقلال کشور دفاع کرد. دادگاه رفیق کیا نوری را به ۱۰ سال زندان با اعمال شاقه محکوم کرد.

رفیق کیا نوری در سال ۱۳۲۸ مدت یکسال بزندان یزد تبعید شد و بر اثر مبارزه زندانیان سیاسی، در تابستان ۱۳۲۹ مجدداً به زندان تهران منتقل گردید. وی در پایتیز ۱۳۲۹ بکمک سازمان افسری، همراه با رفیق شهید روزبه او نفر دیگر از اعضای رهبری حزب از زندان فرار داده شد و بدینسان دوران طولانی کارمخفی او در ایران آغاز گردید. وی غیابا به اعدام محکوم شد.

رفیق کیا نوری در مبارزات سالهای ۲۹-۳۱، یعنی مبارزه برای اتخاذ مشی صحیح حزب شرکت فعال داشت. رفیق کیا نوری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تلاش برای تجدید سازمان حزب و احداث چایخانه های جدید آن شرکت جست و بعد از لو رفتن سازمان نظامی، برای بیرون آوردن بقایای حزب از زیر ضربت دشمن، از پای نشست.

رفیق کیا نوری، در پایتیز سال ۱۳۳۴، برای شرکت در پلنوم کمیته مرکزی بخارج کشور احضار شد. وی در افشای خیانت عباس شهریاری نقش مؤثری بازی کرد.

رفیق کیا نوری پس از پلنوم چهاردهم، بعنوان دبیر دوم کمیته مرکزی حزب برگزیده شد و در دیماه ۱۳۵۷ بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید و این انتخاب در پلنوم شانزدهم با اتفاق آراء مسود تأیید قرار گرفت.

رفیق کیا نوری بداشتن اراده سرسخت در نبرد و اصولیت و فداکاری موصوف است و مورد احترام و اعتماد همه کسانی است که به سرشت انقلابی و انسانی او واقفند.

رفیق کیا نوری در تنظیم سیاست کنونی حزب و پشتیبانی از مشی ضد امپریالیستی امام خمینی، نقش مهمی ایفاء کرده است. در انقلاب بزرگ مردم ایران، حزب از ثمرات تجارب سیاسی وی بهره گرفته و توانسته است فعالیت خود را بعد مؤثری گسترش دهد.



دانشمند بی نیاز از توصیف

رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، برای شرکت در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از طرف حزب تهران نامزد شده است. شاید نیازی به معرفی رفیق احسان طبری نباشد، زیرا ۴۴ سال مبارزه سرسخت و اصولی وی علیه نظام رضاخان و پسرش، استحکام عقیدتی و فضائل انسانی، دانش گسترده در زمینه های مختلف علوم اجتماعی و نام آوری اش در رشته های مختلف ادبی، وی را، علیرغم سالیان متمادی مهاجرت اجباری، به بهترین وجهی به جامعه ما شناسانده است. احسان طبری در سال ۱۲۹۵ در ساری (مازندران) تولد یافت و از ۱۷ سالگی به جنبش انقلابی پیوست. وی از شاگردان برجسته و همزمان مجاهد و دانشمند شهید دکتر تقی ارانی بود و همراه گروه مشهور به ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶، بهنگام سلطنت رضا پهلوی، بازداشت شد و پس از نزدیک به ۴ سال زندان، در شهریور ۱۳۲۰ آزاد شد و در بنیانگذاری حزب توده ایران شرکت جست. رفیق طبری در کنکره اول حزب به عضویت کمیته مرکزی حزب و در کنکره

# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان



**مبارز  
سرسخت  
پرورده  
خطه  
خراسان**

رفیق علی خاوری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب مسما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از خراسان است.

رفیق علی خاوری رجل سیاسی پر تجربه و مبارز سرسختی است که نه فقط در ایران، بلکه در محافل مترقی کشور های مختلف جهان شناخته شده است. رزمنده ای است که ضربه ای سهمگین بر بیدارگاه نظامی شاه مخلوع وارد ساخت و زندانها و تبعیدگاههای ساواک را به بهای تحمل شدائد بسیار فتح کرد. اوازمیان مردم برخاسته و همواره مدافع آنها بوده و منافع همین زحمتکشان اساسی ترین ملاک عملش بوده است. رفیق علی خاوری، در سال ۱۳۰۲، متولد شد و از سال ۱۳۲۰، یعنی بمحض تأسیس حزب توده ایران، به عضویت آن درآمد، و از آغاز جوانی به فعالیت سیاسی ترقیخواهانه، میهن دوستانه و آزادخواهانه پرداخت. وی در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۴ در مشهد و سایر شهرهای خراسان به فعالیت های حزبی و کار سازماندهی نبرد توده های زحمتکش پرداخت و در ضمن توانست دانشسرای مقدماتی را با پایان رساندن در امور آموزشی به فعالیت های پرثمری بپردازد. فعالیت های وی در سازمان جوانان مشهد و همچنین در کمیته ولایتی سبزوار و قوچان، مکتب مهم تربیت حزبی و سیاسی او بود.

رفیق خاوری، پس از آنکه ناچار به مهاجرت سیاسی شد، ضمن ادامه فعالیت های سیاسی، در رشته های تاریخ و ادبیات فارغ التحصیل شد و بکار آموزش پرداخت.

در سال ۱۳۴۳، هنگامیکه حزب توده ایران لازم دید برای احیای فعالیت های سازمانی، کادرهایی را از مهاجرت با ایران بازگرداند، رفیق علی خاوری بلافاصله با آنکه چند ماهی بیشتر به دفاع از رساله دکترایش باقی نمانده بود، همراه با همرزم بزرگش، رفیق شهید پرویز حکمت جو، به میهن بازگشت تا در سخت ترین شرایط کارینهائی، با آرمانهای حزبی خود در راه استقلال و آزادی کشور و سعادت و بهر روزی مردم، در راه سرنگونی رژیم دست نشانده و فاسد پهلوی، جامه عمل بپوشاند.

رفیق خاوری در جریان فعالیت های مخفی دستگیر شد. وی در بیدارگاه نظامی شاه مخلوع یکی دیگر از مهم ترین اسناد دفاع توده ای ها را در برابر سلطه نواستعمار و استبداد سلطنتی، در دفاع از آرمانهای تابناک حزب توده ایران و اهداف غائی و فوری آن بوجود آورد. بدستور شاه خائن و ساواک او را دوبار محکوم با اعدام کردند و تنها زیر فشار افکار عمومی ایران و جهان و کارزار وسیع دفاعی که با بتکار حزب توده ایران در بین تمام محافل مترقی جهان سازمان داده شد، رژیم ناچار به عقب نشینی گردید و حکم به حبس ابد تبدیل شد.

از آن موقع، برای رفیق خاوری، چهارده سال دوران تحمل شرایط زندانهای قزل قلعه، قصر، زاهدان، بندرعباس، شیراز، اصفهان، قصر اوین، که تبعید در زندانهای هولناک جنوب ۷ سال آنرا در بر میگیرد، آغاز گردید، تا اینکه به یمن انقلاب بزرگ خلق ما، در سیام آبان ماه سال ۵۷، آزاد شد.

شرایط دشوار زندان از نظر جسمی لطعات زیاد بر رفیق خاوری وارد ساخت، ولی روح مقاوم و اراده ای استوار وی نه تنها خورد نشد، بلکه هر چه محکمتر و قاطعتر و آبدیده تر شد. و این امری است که در فعالیت های پر شور وی، پس از انقلاب، در رهبری حزب و کار سازمانی و تبلیغاتی بخوبی دیده میشود. رفیق علی خاوری، پرورده خطه خراسان، مبارزی است که از محک سخت ترین تجربه ها سر بلند بیرون آمده و خدمتگزاری خود را به میهن و مردم در عمل ثابت کرده است.

رفیق انوشیروان ابراهیمی، که چهره محبوب و شناخته ای در آذربایجان است، اکنون مسئول فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان است و با تمام وجود در راه تعمیق انقلاب پیروزمند خلق های ایران، در راه گسترش فعالیت انقلابی حزب توده ایران مبارزه میکند.



**۴۰ سال  
تجربه  
غنی  
سیاسی  
و  
اجتماعی**

رفیق حسین جودی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب مسما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از آذربایجان است.

نام رفیق جودی، با فعالیت نزدیک به ۴۰ ساله سیاسی و سندیکائی و دانشگاهی، نام شناخته شده ای در جامعه ماست.

رفیق جودی بسال ۱۲۸۷، در تبریز، متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر پایان رسانید. وی سپس در رشته فیزیک و شیمی از دانشسرای عالی، در سال ۱۳۱۱، فارغ التحصیل شد. رفیق جودی در همین سال از طرف دولت برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد و در سال ۱۳۱۲، بدریافت دیپلم لیسانس دولتی در رشته فیزیک و در سال ۱۳۱۶ بدریافت دیپلم دکترای دولتی در علوم فیزیک از دانشگاه سوربن پاریس نائل گردید. وی در تابستان ۱۳۱۶ به ایران مراجعت کرد و تا بهمن ماه ۱۳۲۷، با سمت استاد فیزیک در دانشکده فنی دانشگاه تهران، به تدریس پرداخت. وی از سال ۱۳۲۴ تا بهمن ماه ۱۳۲۷، بعنوان نماینده شورای استادان دانشکده فنی، در شورای دانشگاه تهران عضویت داشته است.

رفیق حسین جودی در اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد و فعالانه در کارهای سیاسی شرکت جست. وی در کنفرانس اول حزب به عضویت تفتیش کل و در کنفرانس دوم به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجرائیه (هیئت سیاسی) کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و اینک نیز عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است. وی در زمینه های مختلف فعالیت های سیاسی حزب ما شرکت داشته است.

رفیق حسین جودی از سال ۱۳۲۳ به فعالیت های سندیکائی گسترده ای پرداخت و منجمله در شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران، با سمت دبیر شورای مرکزی، فعالیت داشته است. کارگران ایران در نقاط مختلف کشور، و منجمله در آذربایجان، با کوشش های همه جانبه وی در جهت دفاع از منافع طبقاتی خویش آشنا هستند.

رفیق جودی در روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷، هنگامیکه عازم دانشگاه بود، با زداشت و در دادگاه غیر قانونی حکومت نظامی محاکمه و زندانی شد و وی در این دادگاه، مانند سایر رهبران حزب، مجدداً به حزب و سیاست آن دفاع کرد. رفیق جودی در زمستان ۱۳۲۸، بزندان کاشان تبعید گشت و در شهریور ماه ۱۳۲۹ دو باره بزندان قصر تهران منتقل گردید و در آذرماه همان سال، به همراه رفیق شهید روزبه و ۸ تن دیگر اعضاء کمیته مرکزی حزب توده ایران، بکمک سازمان نظامی حزب از زندان فراداده شد و تا بهمن ماه ۱۳۳۴، در شرایط مخفی، در تهران فعالیت کرد و وی بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، از طرف دادگاه نظامی بطور غیابی به اعدام محکوم شد.

رفیق جودی در بهمن ماه ۱۳۳۴، طبق دستور کمیته مرکزی، از ایران خارج شد و تا فروردین ماه ۱۳۵۸ در مهاجرت سیاسی بسر برد. وی در مهاجرت سیاسی نیز در اقدامات سیاسی، سازمانی و تبلیغاتی حزب شرکت فعال داشت. رفیق جودی پس از پیروزی انقلاب و فراهم شدن شرایط بازگشت، طبق دستور کمیته مرکزی، برای ادامه فعالیت در صفوف حزب توده ایران به ایران مراجعت کرد و مانند همیشه تمام نیروی خود را در خدمت حزب گذاشت. رفیق جودی در صحنه بین المللی نیز دارای اطلاعات و تجربه بسیار است و شرکت وی در کنفرانس و مجامع مختلف جهانی، آگاهی های فراوانی در اختیارش گذاشته است.

رفیق حسین جودی، با سابقه و تجربه غنی سیاسی، سندیکائی، دانشگاهی و اجتماعی خود و با آشنائی با شرایط مشخص زادگاه خود آذربایجان، میتواند با شایستگی و وظیفه نمایندگی در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی را با انجام رساند.

بقیه از صفحه قبل

دوم به عضویت هیئت اجرائیه (هیئت سیاسی) برگزیده شد و تاکنون در این مسئولیتهای خطیر حزبی با شایستگی فراوان وظایف خود را انجام داده و در تدوین و تدقیق مشی حزب، در تدارک و تنظیم برنامه های حزب، در مدیریت روزنامه ها و مجلات حزبی، در سرنگون کردن تبلیغاتی و ترویجی و آموزش حزبی، چه زمان علنی بودن حزب، چه بهنگام مبارزه مخفی وجه در دوران مهاجرت اجباری، نقش بسیار حساس و مهمی داشته است. رفیق طبری که بر اثر تعقیب عمال رژیم شاه مخلوع غیاباً به اعدام محکوم شده بود، با اجازه و دستور رهبری به مهاجرت سیاسی رفت و به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران به میهن بازگشت.

رفیق طبری دارای درجه دکترای فلسفه است و هم اکنون یکی از برجسته ترین جامعه شناسان، فیلسوفان، ادبا و شاعران، پژوهشگران و منتقدان کشور ما بشمار میرود، که در زمینه های مختلف اجتماعی شناخت گسترده و ژرفی از سایر کشورهای جهان نیز دارد.

رفیق طبری یکی از با سابقه ترین روزنامه نگاران کشور ماست، که مسئولیتهای مهمی در مطبوعات مصادق شده و نوشته هایش در سایر جراید و مجلات بکرات چاپ شده است. داستانها، اشعار، نقدهای ادبی و هنری، تحقیقات سیاسی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و پژوهشهای لغوی و زبانی اش در گنجینه فرهنگ ایران جای دارد.

رفیق احسان طبری با دید وسیع و آگاهی عمیق خود و با تجربه سیاسی و مبارزاتی طولانی خویش، به پشتوانه یک زندگی سیاسی سراسر نبرد علیه امپریالیسم، ارتجاع، سلطنت پهلوی، بخاطر سعادت مردم و استقلال و آزادی کشور، میتواند مدافع شایسته نظریات حزب ما و منافع همه زحمتکشان و ترقیخواهان در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی باشد.



**چهره  
محبوب  
آذر-  
بایجان**

رفیق انوشیروان ابراهیمی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب مسما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از آذربایجان است.

رفیق ابراهیمی در ۷ خرداد ۱۳۰۶ در آستارا متولد شد. پدرش، غنی ابراهیمی، از جانب رژیم رضاخان بجرم فعالیت های کمونیستی دستگیر و بمدت ۳ سال در زندان قصر به زندان کشیده شد، وی سپس به تاهواند تبعید گردید. رفیق انوشیروان با اتفاق مادر، در تبعیدگاه به پدر پیوست و ضمن تحصیل از پدر درس مبارزه میآموخت.

رفیق انوشیروان از رزمندگانی است که عشق وی نسبت به زحمتکشان و شور میهن دوستی اش، با «شیر اندرون شده» است. وی که دشمنان از پدر دارد، در سال ۱۳۲۴ به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران در آمد. او با آذربایجان بازگشت و در جنبش دموکراتیک خلق آذربایجان برای خود مختاری در چارچوب ایرانی واحد و مستقل و رها از چنگ امپریالیسم، شرکت فعال داشت. رفیق ابراهیمی در سال ۱۳۲۵ به عضویت فرقه دموکرات آذربایجان درآمد و پس از سرکوب خونین جنبش، مجبور به مهاجرت سیاسی شد. در مهاجرت سیاسی، رفیق انوشیروان ابراهیمی به تکمیل دانش خود در رشته های زبان و علوم اجتماعی پرداخت.

در سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱، وی ضمن مطالعات کلاسیک در رشته علوم اجتماعی، رساله ای تحت عنوان «مبارزه حزب توده ایران علیه ارتجاع در چارچوب فعالیت حزب در مجلس چهاردهم» نوشت و به اخذ درجه دکترای نائل گردید.

رفیق انوشیروان ابراهیمی ضمن تعمیق و گسترش دانش اجتماعی سیاسی خود، در میدان عمل نیز سخت کوش و فعال به مبارزه ادامه داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۵ به عضویت کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان انتخاب شد و در سال ۱۳۴۱ به مقام عضویت هیئت اجرائیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات ارتقاء یافت و در سال ۱۳۴۸ به معاونت صدر کمیته مرکزی فرقه دموکرات برگزیده شد.

رفیق ابراهیمی در عمل دانش سیاسی را با کاردانی در مبارزه بنحو برجسته نشان داد، چنانکه در پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی و سپس در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی به عضویت هیئت سیاسی و به مقام یکی از دبیران حزب برگزیده شد.

# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

مظهر  
مقاومت  
خلق  
۲۵  
سال  
زندان



رفیق محمدعلی عمویی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از طرف حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران است.

رفیق عمویی را همه کسانی که در ۲۵ سال اخیر بر اثر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی بزندان افتاده‌اند و سازمانهای آنان بخوبی می‌شناسند و با او، بشما به مظهری از مقاومت خلق مبارز در برابر انواع فشارها و شکنجه‌ها و سالهای دراز زندان، ارجح می‌نهند.

رفیق عمویی در سال ۱۳۰۳ در کرمانشاه متولد شد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید. او در سال ۱۳۲۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۲۸ از آن فارغ التحصیل گردید. اما فعالیت سیاسی رفیق عمویی از سال ۱۳۲۴، از همان شهر کرمانشاه شروع شده بود و او، هنگامیکه افسر شد، صاحب سابقه و تجربه سیاسی جدی بود. در صفوف حزب توده ایران (سازمان نظامی) رفیق عمویی تربیت سیاسی و اجتماعی خود را کاملتر کرد و شخصیت خود را بعنوان مدافع صدیق و مبارز منافع زحمتکشان و استقلال و آزادی میهن پرورش داد.

دوستان رفیق عمویی میدانند که در دوران ظاهر جدی، چه روح پراحساس و عاطفی نهفته است که با عشق به محرومان و آرزوی سعادت آنان می‌طپد. بقول یکی از هم‌زمان نزدیکش، عالیتربین خصوصیات اخلاقی رفیق عمویی ویژگی در زندان، در زیر شکنجه‌های مهیب جسمی و روانی، در برابر ایداه مداوم جلادان، در مقابل حملات ناجوانمردانه نیمه راهان و زنده و بی‌تجربگان شتابزده در میدان نبرد سخت عقیدتی در شرایطی نامساعد بروز کرد.

رفیق عمویی در زندان به مظهر روش اصولی توده‌ای و سیاست درست توده‌ای بدل شد. او توانست نام حزب خود را بلندآوازه نگه دارد و احترام و علاقه بسیاری از زندانیان سیاسی را، اعم از روحانی و مجاهد و چریک و آزادیخواه، نسبت به خود، به حزب و آرمانهایی که چنین انسانهای والا و آزادهای را پروراند است، جلب کند. این تجربه‌های سخت و طولانی بود. ۲۵ سال تمام در سیاه‌چالهای شاه خانی و ساواک چناینگار از سال ۳۳ که بدنبال کشف شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق عمویی دستگیر میشود، از زندانهای قسر و «کمیته» و شیراز و بزازجان، با شرایط غیر انسانی آن میگذرد تا آن ۵۷ که بدنبال موج انقلابی جنبش شکوهمند خلق و در آستانه پیروزی انقلاب، درهای زندانها بروی زندانیان سیاسی گشوده میشود و رفیق عمویی نیز آزادی خویش را همراه با ملت تشنه استقلال و آزادی باز مییابد. از آن زمان ماهها بیش نگذشته، که هر روز و هفته آن، شاهد فعالیت جوشان و پرثمر تشکیلاتی و تبلیغاتی رفیق محمد علی عمویی در مسوولیت خطیر حزبی او در تهران و شهرستانها، در میتینگها و اجتماعات و در میان کادرها و مردم بوده است.

رفیق عمویی با پشتوانه تجربه بزرگ سیاسی و آگاهی اجتماعی‌اش، با آشتی ناپذیری‌اش در نبرد علیه امپریالیسم و استبداد، با وفاداری‌اش براه خلق، مورد اعتماد و احترام خلق و حزب طبقه کارگر است.

فولاد  
آبدیده  
در بوته  
آزمایش  
۲۵  
ساله



رفیق عباس حجری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی از تهران است. رفیق حجری با سرمایه عظیم تجربه سیاسی و نبرد آشتی ناپذیر خود علیه نظام سلطنتی وابسته، علیه امپریالیسم، علیه استبداد، یکی از شخصیتهای خلقی و سیاسی میهن ماست.

رفیق حجری بسال ۱۳۰۱ در مشهد متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر تمام کرده است. وی در سال ۱۳۲۱ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۲۳ از آن فارغ التحصیل گردید.

رفیق عباس حجری که در دوران ارتش، از نزدیک به نقش‌شوم رژیم‌شاه مخلوع و وسعت و دامنه حق‌کشیها و بهمدانتهای بی‌برده بود، راه راستین خدمت به میهن و سه خلق خود را در مبارزه علیه آن رژیم، در پیوستگی به صف متشکل زحمتکشان آگاه یافت. او در سال ۱۳۲۴ به عضویت حزب توده ایران (سازمان نظامی) درآمد. سالهای خدمت افسری او بمدت ده سال، که بترتیب سه سال در مشهد و شش سال در سیستان و بلوچستان و یک سال در کرمان گذشت، سهمای واقعی زندگی فلاکت‌بار مردم ایران و عقب‌ماندگی و وحشتناک‌کشورما را، که مسبب آن سلطه امپریالیسم و حکومت جبارشاه بود، بوی‌نشان داد. عزم جزم رفیق حجری در خدمت به توده‌های محروم در این سالها صیقل یافت و راسخ‌تر شد.

او در این سالها عشق بیکران نسبت به توده محروم را با احساس عاطفی فراوانی که از ورای ظاهر جدی و خوددار وی ابداً بچشم نمیآید، در قلب خود پروراند. در سالهای بعد، او با همان شدت و ژرفا، نفرت به استبداد سلطنتی و کینه نسبت به نواستعمار و عمال فاسد و چپاولگر داخلی آنرا، طی ۲۵ سال که در زندانهای شاه گذراند، در قلب خود جای داد. رفیق حجری بعلت مبارزه خود و تملق‌اش به حزب توده ایران، در شهریور ۱۳۳۳، پس از کشف شبکه نظامی دستگیر و به حبس ابد محکوم شد.

سالهای زندان، سالهای حماسه آفرین مقاومت و استواری، ادامه نبرد در شرایط بسیار دشوار و مقابله با انواع نظریات انحرافی بود. رفیق حجری از بسوخته این آزمایش ۲۵ ساله شکنجه‌گاهها و سیاهچالهای ساواک سربلند و پرافتخار بیرون آمد. وی این سالها را در زندانهای کرمان، و سیرجان و قصر و بزازجان و تهران و شیراز گذراند و همه این قلاع استبداد را به‌دژ پایداری، به مکتب آموزش و تربیت سیاسی بدل کرد.

انقلاب شکوهمند ایران، هنگامیکه ضربات کاری را بر رژیم منحوس وارد میساخت، در پائین سال ۱۳۵۷، این زندانی سیاسی پرافتخار، محکوم به حبس ابد توسط ساواک شاه را، از زندان آزاد نمود.

اکنون، با کوله بار گرانهای سابقه مبارزاتی و تجربیه سیاسی و یخچکی و متانت و آبدیدگی، که ویژه رفیق عباس حجری است، وی مانند همیشه آماده خدمت بحلق است.

سازمان  
دهنده  
مقاومت  
زندانیان  
در ۲۵  
سال  
زندان



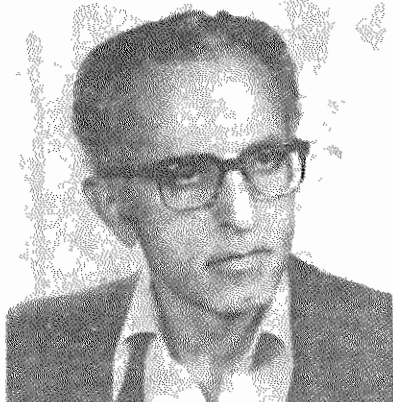
رفیق رضا شلتوئی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از کرمانشاه است.

رفیق شلتوئی در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شد. تحصیلات ابتدائی و بخشی از متوسطه را در کرمانشاه گذراند و در تمام این مدت و پس از آن نیز در کنار خلق کرد بوده و با تمام مسائل و خواستهای حیاتی و حقه‌اش از نزدیک آشنا شد. وی در سال ۱۳۲۹ در تهران تحصیلات متوسطه را تمام کرد و در سال ۱۳۳۲ فارغ التحصیل دانشکده نیروی هوایی شد. رفیق شلتوئی برای پیروان مدارج ترقی و دست یافتن به یک زندگی مرفه فردی وارد ارتش نشده بود. آرمانهای بزرگی مغز و قلب او را تسخیر کرده بود. وی از سال ۱۳۲۴ مبارزه سیاسی را در صفوف حزب توده ایران آغاز کرد و برای حل مشکلات توده مردم زحمتکش سراسر میهن خود و حل مسائل ملی خلق کرد، بدرستی راه راستین را یافت.

رفیق شلتوئی، که راه بیکار قطعی را از سازمان جوانان حزب توده ایران آغاز کرده بود، پس از اخذ درجه افسری در سازمان نظامی حزب توده ایران به فعالیت خود ادامه داد. وی در شهریور ۱۳۳۳، بدنبال کشف شبکه این سازمان، زندانی شد و از آن وقت، دوران ۲۵ ساله‌ای آغاز شد که طی آن، رفیق شلتوئی خصائل عالی حزبی و انسانی و سیاسی و سازماندهی خود را ظاهر ساخت. جلادان شاه مخلوع نتوانستند او را بزانو در آورند. برعکس، او بود که تمام شرایط مهیب تحمیلی را در برابر اراده خویش درهم شکست و سازمان دهنده مقاومت جمعی زندانیان سیاسی و مریبی نسل جوان مبارز شد.

رفیق رضا شلتوئی نمونه بارزی از رفتار یک مبارز آگاه و بی‌گهر است در زندان و در مقابل به سخت‌ترین شرایط، چه از نظر محیط شکنجه و آزار از جانب زندانیان و چه از نظر جو ایدئولوژیک ناسالمی که گاه حاکم میشد. نام

۲۵  
سال  
استقامت  
و مصاف  
ایدئو-  
لوژیک  
در زندان



رفیق ابوتراب باقر زاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از مازندران است.

از روستای «چهره»، زادگاه رفیق باقر زاده، تا نامزدی شرکت در مجلس خبرگان، راهی است طولانی، که تنها با تکیه به اراده‌ای قوی، عقیده‌ای تزلزل ناپذیر و خصائل اخلاقی برجسته‌ای پیموده شده است، راهی که در آن حکم اعدام و سپس ۲۵ سال تمام زندان در سیاهچال‌های رژیم شاه مخلوع نیز وجود داشت.

رفیق ابوتراب باقر زاده، در چهاردهم آذرماه ۱۳۰۹، در روستای چهره، از بلوک بابل کنار، در مازندران، در یک خانواده روستائی تولد یافت و دوران کودکی را در همین روستا گذراند و دبستان را نیز در ده درازکلا و سال آخر آنرا در دبستان کج افروز شیرگاه به پایان رساند. او در تمام این مدت از نزدیک با زندگی و شرایط کار و خواستهای دهقانان مازندرانی آشنا بود و در آن محیط بزرگ شد. رفیق باقر زاده در سال ۱۳۲۳ به بابل رفت تا دبیرستان را بخواند و تا سال ۱۳۲۹ در همین جا درس میخواند و ضمناً شاهد اوج گیری مبارزات مردم و نبرد ضد استعماری و ضد استبدادی خلق ما بود و از همان موقع با تمام قلب و اندیشه خود باین نبرد عظیم پیوست.

رفیق باقر زاده پس از ورود بدانشکده شهر بانی، در سال ۱۳۳۰، به عضویت در حزب توده ایران (سازمان نظامی)، درآمد. وی هنگامیکه در سال ۱۳۳۱ از دانشکده افسری شهر بانی فارغ التحصیل گردید، وارد دانشکده حقوق شد.

رفیق باقر زاده ابتدا در کلاس تری ۵ تهران خدمت میکرد و بعد بزندان قصر منتقل شد و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ننگهای دارالتأدیب بود. پس از کودتا رژیم او را مظنون به فعالیت سیاسی تشخیص داد، ولی چون سند و مدرکی نداشت، به بندر عباس تبعید کرد. بعد از کشف شدن شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق باقر زاده، بعلت عضویت در سازمان و به اتهام فعالیت بخاطر سرنگونی رژیم، دستگیر شد. او هم مانند عده‌ای دیگر از رفقای هم‌زمش به اعدام محکوم شد. در این دوران او روزها و هفته‌های دشواری را گذراند، زیرا شاهد تیرباران جمعی از بهترین رفقا و دوستانش بود؛ روزها و هفته‌هایی که از شکنجه‌های مستقیمی که بخود او وارد میشد، بسیار دشوارتر گذشته است. سرانجام پس از یکسال، حکم اعدام به محکومیت ابد تبدیل شد. تنها انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بود که توانست، در همان امواج کوبنده پیش از پیروزی نهائی‌اش، در آبانماه ۵۷، درهای زندانها را بکشد و رفیق ابوتراب باقر زاده را، پس از ربع قرن زندانی بودن در سیاهچال‌های رژیم سلطنتی، آزاد سازد.

رفیق باقر زاده ایمن‌مدت را در زندانهای قصر، بزازجان، بقیه در صفحه بعد

# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

بقیه از صفحه قبل

مشهد و اوین بسر برده است. این ۲۵ سال، سالهای نبرد دشوار، ولی قطع نشدنی، سالهای استقامت و مردانگی، سالهای آموختن و بدیگریان آموختن بود. رفیق باقرزاده تمام این زندانها را به سخته مبارزه بدل کرد، خودش آبدیده تر و پخته تر شد، دهها جوان پرشور، ولی بی تجربه را تربیت کرد و راه درست و پرثمر مبارزه را به آنها آموخت، در مصافهای ایدئولوژیک درون زندان فعالانه شرکت کرد. همه اینها در شرایط شکنجه های مداوم، آزار و اذیت، تبعیضها و زورگویی، در شرایطی که تنها اراده پولادین و عشقی بیسکران بخلق زحمتکش قادر بود در آن تاب بیاورد و پیر و زشود.

علیرغم تمام دشواری زندانها و شکنجه گاههای مهیب رژیم شاه مخلوع، رفیق باقرزاده هرگز شوخ طبعی و بذله گوئی خویش را، که همواره از همان دهات مازندران با خود داشت، ترک نکرد. بگفته همزنجیرانش، «رفیق روزسخنی و فشار، فرزند صادق طبیعت بی غل و غش» بود و باقی ماند، این صفات، همراه با ذوق هنری و ادبی اش (مجموعه در شرایط زندان چندین رمان را بفارسی بر کردارنده است) سیمای اخلاقی این انسان محبوب و پرکار، این مبارز سرسخت و تسلیم ناپذیر، این دهقان زاده مازندرانی و افسر سابق، این زندانی سیاسی ۲۵ ساله و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران را میسازد.



**کارگری مبارز پرورده مکتب طبقه کارگر و حزب**

رفیق آصف رزم دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، کارگر برق و تاسیسات، زندانی سیاسی رژیم شاه مخلوع، از جانب حزب مابرای شرکت در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران نامزد شده است.

این کارگر مبارز جوان، این توده ای مقاوم و دلیر میتواند بیاتگر صدیق خواستهای طبقه کارگر کشور ما باشد، زیرا از نزدیک با مسائل و مشکلات و مطالبات کارگران آشناست و هم اکنون نیز در این زمینه فعالیت پر باری را انجام میدهد.

رفیق آصف رزم دیده، در سال ۱۳۱۹، در اردبیل، در یک خانواده کارگری متولد شد و کودک شیرخوار بود که پدرش را از دست داد. همانطور که در زندگی زحمتکشانه میهن ما همواره رخ میدهد، بارسنگین اداره خانواده بدوش مادر افتاد، که باخیاطی چرخ معاش روزانه را میگذازند. رفیق آصف سپس به تهران آمد و در مؤسسات فنی بیکار مشغول شد.

در میان طبقه کارگر ایران بود که رفیق آصف رزم دیده به مبارزی آبدیده بدل شد. از آنوقت که یکی از کارگران حزب آصف را، که کارگر نوجوانی بود، بفروش روزنامه مردم، در خیابان اسلامبول و سدی دعوت کرد تا امروز که وی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است، او راه درازی را در نبردهای خیا بانی، در تظاهرات عمومی، در چایخانه مخفی حزب، در زندانهای شاه خائن و در شکنجه گاه ساواک گذرانده است.

در سالهای سیاه پس از کودتا، رفیق آصف مسئولیت رابط خانواده های زندانیان سیاسی را به عهده داشت. در آن سالهای بسیار دشوار، وی با محفل کوچکی از توده ایها بکار سازماندهی حزبی ادامه داد و در جریان این فعالیت، در سال ۱۳۳۷ دستگیر شد. وی پس از آزادی از زندان، باز بعلت نوشتن مقاله ای، تحت پیگرد قرار گرفت و لذا مخفی شد، ولی سرانجام در سال ۱۳۴۰ توسط ساواک شناسائی و دستگیر شد.

رفیق آصف مدتی بخاطر فعالیت در حزب توده ایران زیر شکنجه دژخیمانی چون زیبایی و سیاحت گرومبانی قرار داشت، ولی چون ساواک مدرکی نداشت، وی را بقید ضمانت که از حوزه قضائی تهران خارج نشود، آزاد کرد.

رفیق آصف دوباره به کارخانه، به سرچشمه فیاضی که همواره از آن آموخته بود و بدان دل بسته بود، بازگشت و در همان رشته برق و تاسیسات مشغول کار شد.

از سال ۱۳۴۱ باردیگر فعالیت پرشور وی کهر سیاسی و حزبی رفیق آصف رزم دیده، همراه با کار در کارخانه آغاز شد. وی در چایخانه مخفی حزب کار میکرد و یکدم از نبرد علیه امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع غافل نمی ماند. دستگیری دوباره او، محاکمه و زندانی شدنش، همزمان با شناخته شدن او در سطح کشور و جهان است. حزب ما در دفاع از او و

همرزمش صابر محمدزاده، کارگری که اونیز نامزد نمایندگی برای مجلس خبرگان از جانب حزب ماست، کارزار وسیعی را ترتیب داد. وی ۶ سال محکومیت اولیه را در قزل قلعه و برانجان و اهواز و شیراز گذراند. در همین دوران بود که وی به عالی ترین ارگان رهبری حزب برگزیده شد. یکسروز پیش از اتمام دوره «محکومیت»، ساواکها او را از زندان شیراز به «کمیته» معروف تهران و سپس به زندان قزل قلعه و اوین بردند.

رفیق آصف ۴۱ ماه در سلولهای انفرادی اوین زیر بازجویی شکنجه گران بود. هفت سال اجازه ملاقات با خانواده خود را نداشت. و سرانجام بعلت پایداری در عقاید سیاسی خود، در زندان به ۱۲ سال دیگر محکوم شد. اما اراده خلق قهرمان، به یمن انقلاب بزرگی که در شرف تکوین بود، در آذر ماه سال ۵۷ او را، همراه سایر زندانیان سیاسی، از زندان رها ساخت.

آصف رزم دیده به میان زحمتکشان بازگشت و بلافاصله کار و فعالیت خستگی ناپذیر و مدوامی را در میان کارگران، بخاطر ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم و زدودن تمام بقایای رژیم فاسد محمد رضا شاهی و تحکیم دستاوردهای انقلاب آغاز کرد.

آصف رزم دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران کارگری که در مکتب طبقه کارگر و حزبی، حزب توده ایران رشد کرده و با این طبقه و در این طبقه زندگی کرده و مستقیماً با مسائل و خواستهای زحمتکشان میهن ما آشناست، میتواند با شایستگی وظیفه شرکت در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی را انجام دهد.



**کارگری رزمنده، نمونه صداقت و ایمان**

رفیق صابر محمدزاده، کارگر تراشکار، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد حزب ما برای شرکت در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی از تهران است. رفیق صابر نمونه صداقت و ایمان نسبت به طبقه خود و حزب طبقه است و در این مکتب پرورش یافته و به یک شخصیت سیاسی و اجتماعی بدل گردیده است.

صابر محمدزاده، در ۱۳۱۴، در نوشهر متولد شد. پدرش ابوالفضل نیز کارگر بود و او در محیط کارگری رشد یافت. از او ان طفولیت با خانواده به تهران آمد و با تحمل سختیهای ناشی از شرایط زندگی زحمتکشان، توانست تا پنجم متوسطه درس بخواند. وی از آغاز دوره دبیرستان و بمقتضای محیط کارگری زیست خود، بمسائل سیاسی علاقه پیدا کرد و در نبرد مردم ایران با تمام شور و جوانی خویش وارد شد. محیط کارگری خانواده با لطمه او را بسوی حزب توده ایران آورد و در فروردین ماه ۱۳۳۱ به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران پذیرفته شد. بعلت فعالیت سیاسی در محیط دبیرستان، او را از تحصیل در مدارس دولتی محروم کردند. بر اثر این ممنوعیت، اوقف یکسال توانست در دبیرستان ملی درس بخواند و سپس ناچار شد ترک تحصیل کند.

از سال ۱۳۳۶، رفیق صابر محمدزاده شروع بکار تراشکاری کرد. در میان طبقه ای که از آن برخاسته بود و بکمک تجربه فعالیتهای سیاسی گذشته، وی تربیت سیاسی و اجتماعی خود را کامل کرد و در اعتقاد خود بدرستی راه حزب توده ایران و رسالت طبقه کارگر راسخ تر شد. فعالیت های مخفی سیاسی و بویژه فعالیت در چایخانه مخفی حزب، منجر به دستگیری او در اردیبهشت ۱۳۴۶ توسط ساواک شد. وی پس از دفاع شجاعانه در بیدارگاه نظامی از آرمانهای خود و محکوم نمودن بساط حاکم در ایران، به هفت سال زندان محکوم شد. در آن زمان حزب ما در سطح جهانی کارزار دفاعی بزرگی را برای نجات او و رفیق کارگر هم رزمش آصف رزم دیده، که اونیز از جانب ما نامزد شرکت در مجلس خبرگان است، سازمان داد. هفت سال در زندانهای گوناگون، هم مکتب جدیدی بود که در آن صابر آموخت و هم صحنه نبردی بود که در آن صابر فعالانه شرکت داشت. ولی پس از گذشت دوران محکومیت، رژیم شاه مخلوع حاضر نشد این کارگر مبارز را که زندان را هم به صحنه بیکار بدل کرده بود، آزاد کند و مجدداً به ۱۲ سال دیگر محکومش کرد.

پنج سال پس از آن، در ۲۰ آذر ۱۳۵۷، هنگامیکه موج های پی در پی جنبش انقلابی مردم ایران پایه های رژیم سلطنتی منقور و دست نشاندگان را فرو می ریخت و بانگ «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، فضای ایران را بلرزه در آورده بود، صابر محمدزاده نیز باتفاق رفقایش درهای زندان را بروی

خود گشوده یافت و بار دیگر بمیان طبقه خود و بمیان خلق خود بازگشت.

دوران چند ماهه پس از آزادی، دوران فعالیت شکوفان و پر بار رفیق صابر محمدزاده است او در مرکز رهبری حزب خودش، در میان طبقه کارگر، که با همه دردها و خواست هایش آشنائی دارد، بکار پرثمر سازمان دهی و تبلیغی مشغول است.

به تصدیق همه دوستان و آشنایان، علیرغم ظاهری کم حرف و ساکت، رفیق صابر باچنان شور و فعالیت بی به کار میرداند که خستگی ناپذیر مینماید و در زیر دیر آشنائی و کم جوشی ظاهری، صمیمیتی بیسکران نهفته دارد.

رفیق صابر محمدزاده، کارگر تراشکار و یکی از کادر های برجسته حزب طبقه کارگر، میتواند با شایستگی از منافع زحمتکشان و مصالح میهن ما در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی مدافعه کند.



**پیکار جویی خستگی ناپذیر در امر تشکل زنان**

رفیق مریم فیروز، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران است.

رفیق مریم فیروز از برجسته ترین بانوان مبارز ایران و شخصیت شناخته شده ایست که از او ان جوانی گام در راه مبارزات ترقی خواهانه و آزادی طلبانه گذشت.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۲۹۲ در کرمانشاه متولد شد. وی تحصیلات ابتدائی، متوسطه و عالی را در تهران پسیان رساند و در مهاجرت اجباری سیاسی بدریافت درجه دکترا در ادبیات و زبان فرانسه نائل گردد.

از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزادیخواهی ایران شرکت فعال و پرثمر داشت. وی از سال ۱۳۲۲ در تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بفعالیت خستگی ناپذیر پرداخت و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد. رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۲۷ در کنگره دوم حزب به عضویت مشاور کمیته مرکزی برگزیده شد. وی در همان سال، پس از کودتای بهمن ۱۳۲۷، تحت پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۳۲۸ غیابا محکوم به پنج سال زندان با اعمال شاقه شد.

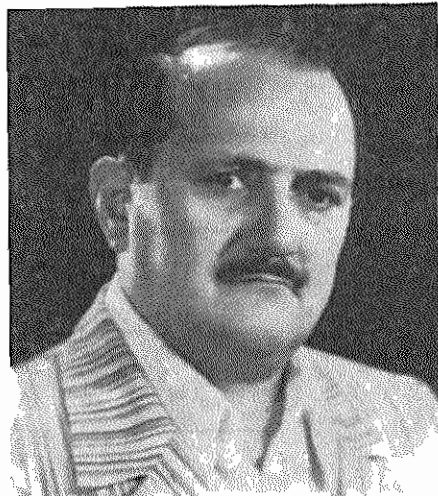
از همان سال ۱۳۲۷، رفیق مریم در شرایط پنهانکاری به مبارزات دشوار و پرخطر ادامه داد، در امر بسیج زنان در تشکیلات زنان و حفظ و ادامه مبارزه این سازمان و در سرپرستی فعالیت مطبوعاتی آن، با از خود گذشتی کار کرد. بمدت ۸ سال زندگی پنهانی رفیق مریم با مبارزه ای خستگی ناپذیر ادامه یافت. در سال ۱۳۳۵ ادامه مبارزه پنهانکارانه وی در ایران نا ممکن شد و مجبور به جلای وطن گردید.

در دوران مهاجرت سیاسی، که تا پایان سال ۱۳۵۷ دوام یافت، رفیق مریم فیروز آنی از مبارزه علیه رژیم دست نشاندگان استبدادی شاه مخلوع باز نایستاد. بهنگام مهاجرت، مجدداً بطور غیابی دوبار محکوم شد. بار اول به ده سال زندان و سپس بزندان ابد با اعمال شاقه.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۵۷ به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و اینک، در میهن آزاده شده ما با همان شور و خستگی ناپذیری همیشگی به امر تشکل زنان در مبارزه بخاطر برابری حقوق و در پیکار برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران مشغول است.



# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان



**کارگری  
رزمنده  
مدافع  
پیگیر منافع  
زحمت  
کشان**

بقیه از صفحه قبل

رفیق علی لامعی - کارگری که در مکتب مسازرات سخت و درازمدتی پرورشی یافته و در مقام عضو حزب توده ایران، همواره از منافع زحمتکشانش کوشش در دفاع نموده، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از مازندران است.

رفیق لامعی به سال ۱۲۹۸ تولد یافته است، پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۱۵، در کارخانه جیت سازی بهوشر بسنت کارگری استخدام شد، وی در این کارخانه بمدت ۱۵ سال همراه با فعالیت سیاسی کار کرد. در آبان ۱۳۳۹، وی بسبب مبارزات سیاسی از کارخانه اخراج شد و دیگر نتوانست استخدام گردد. از آن پس با شغل عکاسی زندگی خود را گذراند، ضمن اینکه با ادامه فعالیت سیاسی، استعداد خود را در کار سازماندهی مبارزه زحمتکشانش بروز داد.

رفیق لامعی تا سال ۱۳۲۰ عضو کمیته سازمان جوانان بهوشر بود. وی از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ به عضویت کمیسیون تشکیلات حزب انتخاب گردید و سپس از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ به عضویت کمیته شهرستان بهوشر ارتقاء یافت.

رفیق لامعی در جریان فعالیت‌های سیاسی و مبارزات پیگیر چندین بار بازداشت شد، که دوبار منجر به محکومیت وی گردید.

رفیق لامعی در سال ۱۳۳۰ بمدت یکسال و از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ بمدت سه سال در زندان بسر برد. چهار سال زندان، رفیق لامعی را آبدیده تر ساخت. قطع اجباری رابطه وی با حزب مانع از آن نشد که اعتقاد راسخ رفیق لامعی، بدرستی راه مبارزه پر رنجی که برگزیده، راسخ تر گردد، در سال ۱۳۳۷ رابطه وی با حزب مجدداً برقرار شد و با عده‌ای به فعالیت پرداخت، ولی نفوذ مائوئیست‌ها در گروه او منجر به از هم پاشیدن گروه گردید. رابطه رفیق علی لامعی با مرکز حزب بار دیگر در سال ۱۳۵۱ برقرار شد و چندین سال، در محیط اوج خفقان ساواک به کارپخش مخفیانه نشریات حزبی پرداخت. در سال ۱۳۵۷، در جریان نضج جنبش انقلابی، قبل از ماه محرم، با توافق دوفروندش دستگیر و بزندان افکنده شد. انقلاب پیروزمند خلق در زندان را بروی رفیق لامعی و هم‌زنجیرانش گشود و رفیق لامعی مجدداً به فعالیت سیاسی - اینبار در خدمت به تحکیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلتی پرداخت.

کارنامه زندگی رفیق علی لامعی، که اکنون مسئول سازمان حزب توده ایران در بهوشر است، کارنامه‌ای است گویای وفاداری، پیگیری و سرسختی او در مبارزه بسود منافع زحمتکشانش، استقلال و آزادی و آبادی کشور.



**کارگری  
مبارز و  
وفادار به  
آرمان  
طبقه‌اش**

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از اصفهان است.

رفیق روحانی دهقان زاده‌ای است که بصوف طبقه کارگر پیوسته، کارگری است که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشانش کرده است.

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی در سال ۱۲۹۷، در یک خانواده دهقانی پایه عرصه حیات گذارد. تحصیلات خود راتا سوه متوسطه ادامه داد و سپس بعلت فقدان امکانات مادی خانواده‌اش، ترک تحصیل کرد. وی از سن ۱۸ سالگی، بعنوان کارگر بافنده، در کارخانه زاینده رود اصفهان مشغول کار شد. او که خود از آغاز جوانی به فروش نیروی کار مجبور شد، هم‌زنجیران خویش، از کودکان ۱۰ ساله تا پیرمردان ۶۰ ساله را میدید که نشاط و نیروی جوانی و حیات خود را در پای ماشینهای بافندگی میریزند و جز گذرانی دشوار سهمی از زندگی

ندارند. پایای رشد سنی، آگاهی طبقاتی او نیز در حلقه کارگران زحمتکش و محروم کارخانه زاینده رود اصفهان رشد مییافت، تا بدانجا که، در سال ۱۳۲۵، و در اوج گسترش مبارزات کارگری، زیر پرچم شورای متحده مرکزی، به عضویت حزب توده ایران درآمد.

رفیق روحانی بعلت شرکت در مبارزات مخفی حزب توده ایران پس از بهمن ۱۳۲۷، در سال ۱۳۲۸ بازداشت شد و مدت چهارماه در زندان بود. وی تا سال ۱۳۳۱ چندین بار به تناب بازداشت و پس از چندی بعلت فقد دلیل آزاد شد. رفیق روحانی روزی ام تیر سال ۱۳۳۱، بعلت شرکت فعال در تظاهرات علیه شاه - قوام مجدداً بازداشت و برای مدت شش ماه به بندرعباس تبعید شد. برای رهائی رفیق مبارز، حزب توده ایران، جمعیت طرفداران صلح و مطبوعات حزب مبارزه وسیعی را آغاز کردند. در نتیجه رفیق روحانی پس از گذراندن ۴ ماه در تبعید به زادگاه خود بازگشت.

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و تسلط ارتجاع و امپریالیسم بر میهن ما، موجب بازداشت صدها رفیق توده‌ای شد. رفیق روحانی نیز یکی از بازداشت شدگان بود. او که از سال ۱۳۲۹، عضویت کمیته ایالتی اصفهان را عهده دار بود، به دو سال زندان محکوم شد، که یکسال آنرا در تبعید، در جزیره خارک، گذراند.

وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر و استمرار در مبارزه برای تحقق اهداف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگرایان، از رفیق روحانی شخصیتی مورد اعتماد و قابل احترام برای همه زحمتکشانش ساخته است.



**شخصیت  
علمی و  
فرهنگی،  
مبارز راه  
رهائی  
طبقه کارگر**

رفیق حسین آذر، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از اصفهان است.

رفیق حسین آذر، در سال ۱۳۰۵، در یک خانواده مرفه و انسان دوست با بجهان گذارد. تحت تاثیر تربیت و نفوذ پدر، به رشته پزشکی علاقمند شد و به تحصیل در این رشته پرداخت و در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶، در رشته طب عمومی، از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید او از همان آغاز جوانی در صدد یافتن راه حل صحیح مسائل اجتماعی کشورش برآمد و پس از بررسیهای فراوان، در سال ۱۳۲۳ راه عضویت حزب توده ایران را برگزید. رفیق حسین آذر بلافاصله پس از پایان تحصیل، به علت فعالیت در صفوف حزب توده ایران، دستگیر و زندانی شد. وی سالهای زیادی را در زندانهای تهران و اصفهان گذراند. رفیق دکتر حسین آذر در تمام سالهای زندان، با وجود شرایط دشوار آن، از انجام وظایف انسانی خود نسبت به یاران هم‌زنجیر خویش غافل نماند و کمک به حفظ سلامت رفقای توده‌ای و سایر زندانیان را یکی از وظایف مهم خویش در زندان می‌شمرد. جهان بینی او و فعالیتش در صفوف حزب توده ایران با آموخته بود که، قبل از آنکه پزشک باشد، باید یک انسان توده‌ای باشد و در این راه با سرسختی و پایداری در صفوف حزب ما مبارزه ادامه داد.

رفیق حسین آذر در صفوف حزب توده ایران مسئولیتهای گوناگون داشته، و از جمله اداره کنفرانسهای پزشکی هفتگی بزبان ساده را برعهده داشته است.

رفیق حسین آذر یک شخصیت علمی، و فرهنگی و سیاسی است که پیگیرانه و با استواری برای رهائی خلق، برای آزادی طبقه کارگر، برای تأمین استقلال و آزادی ایران عزیز پیکار کرده و اکنون نیز در سنگرمبارزه برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران محکم و تزلزل ناپذیر ایستاده است.

## مأمور ساواک عضو کمیته سفارت امریکا

گزارش زیرین به «مردم» رسیده است: سید مرتضی موسوی، که در دوران رژیم شاه مخلوع، زمانی رئیس ساواک بندر انزلی و سپس در مرکز مأمور رسیدگی به وضع اتباع بیگانه بوده، اینک در «کمیته» سفارت امریکا مشغول «خدمات» است. وی در گذشته به چین هم سفر کرده است.

ما از مسئولین امر می‌خواهیم که بوضع کمیته سفارت امریکا فوراً رسیدگی کنند و از جمله کسانی مانند سید مرتضی موسوی، مأمور ساواک را، که معلوم نیست چگونه توانسته‌اند خود را در «کمیته» جادهند، تصفیه کنند و تحت تعقیب قرار دهد.

## سخنرانی تحریک آمیز در پادگان

روز سیزدهم تیرماه جوانی روحانی نما برای سخنرانی وارد پادگان شد. سخنرانی او دو ساعت تمام، از ساعت ۱۱ تا یک بعد از ظهر، بطول انجامید. تمام مضمون سخنرانی او، بی اعتبار کردن نیروها و کشور. های ترقیخواه، بوسیله یکی جلوه دادن آنها با نیروهای ارتجاعی و کشورهای امپریالیستی بود. این شکر در تبلیغاتی در عین حال برای تبریة امپریالیسم، برای اینست که آتش خشم خلق انقلابی، و در این مورد بخصوص ارتشیان متوجه امپریالیسم شود، بلکه برعکس متوجه نیروهای ضد امپریالیستی گردد.

سخنران جوانی بود بنام استاد ابراهیمی. او از حضار یوزش خواست که از خارج آمده تهران را نمی‌شناسند! چند کتابی همراه خود داشت تا نشان دهد دانشمند و همه چیز دان است! او حکومت دیکتاتوری دست نشاندۀ سوموز را در نیکار گوته، با لیبی و عربستان، چین و شوروی و امپریالیسم، همه را در یک کیسه ریخت، همه آنها را بیگانه ارتجاع نامید و در معرفی آنها از رنگهای سفید و سیاه و زرد و سرخ استفاده کرد.

اینگونه تبلیغات در ارتش، که باید در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلق باشد، سم مهلک است. خلق و کشور ما دشمنان شناخته شده دارند و این دشمنان جز امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و دستیاران آنها کسی دیگر نیست. نیروها و کشور های ضد امپریالیستی را در ردیف نیرو های امپریالیستی و متحدین آنها قرار دادن، کمک به بازسازی ارتش، بصورت ارتش ضد خلقی دوران پهلوی است. ارتش باید برخلاف گذشته دشمن واقعی خلق و کشور را بشناسد، تا کسی نتواند در آینده آنرا بر ضد خلق و استقلال کشور بکار بندد. تبلیغات در ارتش باید در جهت آگاهی ارتشیان باشد، نه در جهت گمراه کردن آنان.



**رفیق  
از  
سرزمین  
نفت  
و  
کار**

علی اکبر مایل زاده به سال ۱۳۰۹ در آبادان در یک خانواده زحمتکش متولد شد. از ۷ سالگی اجباراً شروع به کار کرد و اینک ۲۲ ساله است که بعنوان کارگر مشغول بکار است.

اراده محکم و استعداد سرشار مایل زاده به او امکان داد که بر دشواریها - نایب آید و به همراه کار سنگین روزانه، شبها درس بخواند و خود را بسازد. او اینک کارگری آگاه و با سواد است که گاه احساسات پاك انقلابی خود را در قالب شعر میریزد.

مایل زاده از ۱۵ سالگی بطور فعال به مبارزات صنفی و سیاسی و به ویژه مبارزات ضد انحصارات امپریالیستی نفت پیوست و از همان نخستین گام راه راستین طبقه کارگر را یافت. او از سال ۱۳۲۴ به عضویت شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران درآمد و طریقه مشقهایک بر سر راهش بود استوار و بی انحراف در این سنگر ایستاد.

مایل زاده خادم وفادار طبقه کارگر و فرزند خلف کارگران مبارز خوزستان است. او در مجلس خبرگان سخن گوی صدیق مردم زحمتکش خوزستان و مدافع آگاه دوستی حلقهای ایران خواهد بود.

# وحدت عمل، تنها پاسخ قاطع به ضد انقلاب

انقلاب ایران مرحله بزرگ و حساسی را میگذراند. ضدانقلاب در سراسر کشور و در همه عرصهها به فعالیت و گستاخی خود افزوده است. دشمن، که دیروز از سر به مهلك دچار سرگهجه بود، امروز به خود آمده است. اگر دیروز حرف میزد و شایعه میساخت، امروز عمل میکند و حادثه میآفریند. ضد انقلاب، که قدرت را از کف داده بود، اگر دیروز برای نجات جان و مال سرمایه در حال گریز پراکنده بود و سلاح و سازمان را بر جای میگذاشت، امروز برای بازگشت به قدرت در حال تجمع نیرو، تجهیز پول، گردآوری سلاح و ایجاد سازمان است.

تشدید فعالیت ضد انقلاب فقط از روی نومیدی نیست. آخرین تلاش محض در دست مردم هم نیست. برعکس، ضدانقلاب در همه تار و پودها، نور امید هر چند کم سو، انتظار حیات دوباره هر قدر کم احتمال، در پیش روی دارد. این امید و انتظار از کجاست؟ از پراکندگی در صفوف انقلابیون، با وجود یگانگی در عمده ترین، حیاتی ترین و قاطع ترین هدف انقلاب، یعنی ورستی اقتصادی و سیاسی از امپریالیسم - در هر رنگ و نمائی، رهائی از خود کامگی و وابستگی در هر شکل و درائی در تعبیر و تفسیر این دو، در راهجویی و راهپساری بسوی آن میتوان نظر داشت، تا حد اختلاف، این نظرها را امروز هم میتوان باید گفت، به آنکه راه را بر اتحاد دشوار تر و بدتر از آن نامیسازد. ولی، حل نهائی را باید به فرادرسد، که امروز دشمن در کمین است. اگر بخواهیم به تمام کارها و

مسائل، بخصوص آنچه که فرعی است، هم امروز بپردازیم، چنان سرگرم خود و غافل از خصم خواهیم شد، که فقط شیخون دشمن مارا به خود خواهد آورد... که دیگر دیر است.

در پیش بودن تصویب قانون اساسی، انتخابات مجلس، گذار از دولت منتصب موقت بسو دولت منتخب «دائم» و تفاوت و اختلاف در چگونگی برداشته ها از این مسائل و شیوه های طرح و بیان آنها، در جای خود، دشمن را به بهره برداری از وضع و آزمایش نیرو، حریص تر و مصمم تر کرده است.

در این گیر و دار، سخنان ناستجیده و اعمال نابخردانه قطب های افراطی - از قشر های مذهبی نما گرفته تا جرمی های چپ گرا - هم فشار را برای تبادل نظر مستقیم، سالم و خون سرد - چه رسد به اتحاد و پیمان - همسان نیروهای راستین انقلاب مسموم میسازد و هم محیط را برای سوء استفاده ضد انقلاب آماده. از بدبینی ها و پیشداوری ها و ذهن گرائیها نسبت به نیروهای راستین چه دیگر سخن نمیگوئیم، که افسوس دامنگیر برخی از مسئول ترین نیروها و شخصیت های سیاسی و اجتماعی هم هست.

شرکت میلیون ها تن در راه - پیمائی ۲۶ تیر، نمونه برجسته آمادگی توده مردم در سراسر کشور برای مبارزه متحد علیه امپریالیسم و ضد انقلاب بود. این آمادگی از پائین امری است طبیعی، ولی آنچه غیر طبیعی مینماید، روش و شیوه ایست که رهبری برخی سازمان هادر پیش گرفته اند، یعنی جلوگیری از

صبح روز چهارشنبه سوم مرداد ماه ۱۳۵۸، رفیق فقید محمد رضا قدوه، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در میان اندوه و تاسف عمیق خویشان، همزمان و یارانش، در بهشت زهرا بخاک سپرده شد.

بر مزار رفیق فقید محمد رضا قدوه، رفیق منوچهر بهزادی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب کمیته مرکزی گفت: «دوستان گرامی،

رفقای عزیز! قدوه عزیز و ارجمند ما، رفیقی که ۴۵ سال پیش، مبارزه در راه آرمان خلق و آرمان طبقه کارگر و حزبش را، در کنار ارانی، رهبر زحمتکشان ایران، آغاز کرد و تا آخرین لحظه حیات، با ایمانی تزلزل ناپذیر، با عزمی راسخ، با شور انقلابی، این راه پرافتخار را پیمود، اینک در آرامگاه ابدی خود جای میکند.

قدوه عزیز و ارجمند ما سعادت آنرا یافت که نخستین بهار آزادی ایران را ببیند و با شور و شوق و امیدی تازه، با نیروی خستگی ناپذیر خویش، در فعالیت علنی نوین حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، شرکت کند.

## آخرین وداع بار رفیق فقید محمد رضا قدوه



ولی افسوس و دریغ که او نتوانست بیش از این، تجربه غنی انقلابی خود را، بویژه در اختیار نسل جوان انقلابی قرار دهد.

قدوه عزیز و ارجمند ما، که با سربلندی زیست، در دوران زندگی برای

همزمان و یارانش نمونه يك مبارز انقلابی بود، و اینک هم که در میان آنها نیست، در وجود جزیش زنده است و همچنان سر مشق مبارزاتی است که راه حزبش را ادامه میدهند.

قدوه عزیز و ارجمند! در این هنگام که برای همیشه از تو وداع میکنیم، آرمان و آرزو و امید تو در دل زنده نگه میداریم و تجدید پیمان میکنیم که مانند تو، برای استقلال و آزادی ایران عزیز، برای رهائی زحمتکشان از قید ظلم و ستم، برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، زیر پرچم پرافتخار و خونین حزب تو، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، یکدم از پای نایستیم.

قدوه عزیز و ارجمند! تو به ابدیت پیوستی، ولی خاطره گرمی ات جاودان خواهد ماند.

رفیق بهزادی سپس دسته گلی را از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نثار مزار رفیق فقید محمد رضا قدوه کرد. حاضران در حالیکه سرود حزبی میخواندند و میگفتند: توده ای فرمان، راهت ادامه دارد، وداع آخرین را با رفیق فقید محمد رضا قدوه، مبارز انقلابی راه طبقه کارگر، راه آزادی و استقلال ایران بجا آوردند.

از کمک دوستان و رفقا متشکریم

کارگری از دوستان زوجی، که هدیه عروسی را به حزب داده است	۱۰۰۰ ریال
کارگری از دوستان زوج فوق، که هدیه عروسی را به حزب داده است	۵۰۰
کارگری از دوستان زوج فوق، که هدیه عروسی را به حزب داده است	۵۰
خانم لاله	۱۰۰۰۰

با اضافه يك مدال طلا

# سفیر ایران با هزاران مسلمان شوروی نماز جماعت خواند

■ سفیر ایران: با اتکا به دوستی و احساسات برادرانه ملت و دولت شوروی نسبت به انقلاب ایران، امیدواریم روابط مسلمانان دو کشور گسترده تر شود.

مبارزاتشان در جهت پیروزی انقلاب اسلامی ایران داده بود، از بیانات دوستانه رهبران بلند پایه و خلقه های اتحاد شوروی نسبت به رهبر مردم ایران و درباره رسالتهای انقلاب اسلامی ایران سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که روابط فرهنگی میان مسلمانان ایران و شوروی توسعه بیشتری یابد.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی در دنبال سخن خود گفت: «ما در این مناسبات قصدهیچگونه مداخله ای را در امور شوروی نداریم، بلکه عقیده داریم بین مسلمانان دو کشور در زمینه های فرهنگی و مذهبی بهتر است تماس های بیشتری برای شناسائی یکدیگر صورت گیرد. در پیام قائل اعظم انقلاب اسلامی ایران بعنوان حضرت ثلوثید بر ژنف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد - جماهیر شوروی، همبستگی و اتفاق ملل جهان و آسایش ابناء بشر و نیز توسعه صلح و آرامش بین المللی، صمیمانه آرزو شده است.»

بعد از پایان سخنان دکتر مکرری، امام مسجد جامع لنینگراد، به افتخار پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امامت نماز جمعه را بعهده سفیر جمهوری اسلامی ایران واگذار

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در دیدار خود از لنینگراد، در مسجد جامع، همراه هزاران نفر از مسلمانان نماز جماعت گذارد و برای آنان سخن گفت.

دکتر محمد مکرری، که در جریان دیدار ۷ روزه خود از لنینگراد، با مقامات طراز اول فرهنگی و دانشگاهی و کارشناسان آن شهر درباره چگونگی روابط دو کشور گفت و گو کرده است، در سخنان خود، که توسط خبرنگار گزاری پارس مخایره شده است، گفت:

«جمهوری اسلامی ایران هم اکنون مرکز اتحاد و یگانگی مسلمانان جهان شده و رشته های پاره شده میان مسلمین را دوباره پیوند میدهد و اکنون با اتکا به دوستی و احساسات برادرانه ای که ملت و دولت شوروی نسبت به انقلاب ایران پیدا کرده است، امیدواریم که روابط مسلمانان شوروی و ایران گسترده تر شود. عموم مسلمانان شوروی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران را همچون چشم خود دوست دارند و مبارزات پیگیرانه او را میستایند.»

دکتر مکرری پس از تشکر از سخنان محبت آمیز امام مسجد جامع لنینگراد، که شرح مفصلی از مقام امام خمینی

کرد. پس از ادای نماز و تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، دکتر مکرری با زهم از امام مسجد و زنان مسلمانی که در شبستان مجاور در ادای مراسم و فرائض مذهبی شرکت داشتند، تشکر کرد.

بر اساس گزارش خبرگزاری پارس، در ملاقات سفیر ایران با مقامات لنینگراد قرار شد که حتی المقدور برنامه های تحقیقاتی درباره ایران با مشورت و همفکری طرفین انجام گیرد و بویژه این مطلب مورد تاکید قرار گرفت که برای همیشه به آن دسته از برنامه های مصنوعی و امپریالیستی، که هدف آنها تفرقه اندازی و تاریخ سازی و ملیت منطقه سازی است، پایان داده شود.

در این سفر، نمایندگی ایران در لنینگراد به يك مرکز فعال فرهنگی جهت معرفی جنبه های واقعی انقلاب اسلامی ایران تبدیل و قرار شد نمایندگان از آثار امام خمینی و دیگر دانشمندان ایران به زبانهای مختلف در شوروی تشکیل شود.

رئیس دانشگاه و دیگر مقامات دانشگاهی لنینگراد تاکید کردند که انقلاب ایران از حوادث مهم قرن حاضر بود و در مسیر تحولات آینده جهان اثر خواهد گذاشت و امام خمینی در قلب همه مردم شرافتمند جای دارد.

# اخبار دهقانی

## در کرد و دهات اطرافش چه میگذرد؟

جمعیت خودکروند حدود ده هزار نفر است. محصولات عمده این شهرک میوهجات مثل انجیر، بادام و گردوست. صنعت دستی فلزکاری کرد شهرت زیاد دارد. آب قنات بیشتر در باغات مصرف میشود، زیرا آکندمزرها و مزارع بیشتری میباشند. کرد یک نیمه ده، نیمه شهر است.

مالک بزرگی با اسم امیر احتشام در کرد حکمروائی داشت، که حتی بعد از اصلاحات هم نفوذ خود را از دست نداده بود. نامبرده در زمان حیات خود با دربار در ارتباط بوده است. اکثر اراضی اطراف متعلق به این مالک است. سرمایه داران عمده فعالیت خود را در جهت نزول خواری متوجه کرده اند.

پیشه‌وری، که بیشتر جنبه فلزی کاری دارد، در اثر هجوم اجناس کارخانه‌های خارج و داخل کشور رونق سابق خود را از دست داده و منحصراً به چندین دکه فلزکاری شده است، که محصولات خود را به مغازه داران کنار جاده میفروشد. سرمایه داران نزول خوار، که مهمترین مغازه و بهترین خانه متعلق به آنهاست، اغلب زمین و باغ و گوسفند و گاو هم دارند.

مذهب اکثریت اهالی کرد، اهل حق است، که مراسم عبادت و تشریفات مذهبی اش با شیعیان و اهل تسنن متفاوت است.

وضع مردم من حیث المجموع بد و زهر نظر عقب مانده ساختمان خانه‌ها اغلب قدیمی، غیر بهداشتی و نامطمئن است. وضع بهداشت و درمان در سطحی پایین و منحصر به درمانگاهی است که زیر نظر دکتر هندی اداره میشود.

آموزش و پرورش و مبارزه با بی سوادی هم دارای وضع بدی است. اکثر اهالی بی سوادند، بغیر از یک مدرسه راهنمایی، که تقریباً تازه سازماندهی شده و به تازگی در آنجا شروع کرده اند. ساختن مدرسه و غیر بهداشتی است. تریاک کشیدن هم رونق زیاد دارد. قبل از پیروزی انقلاب احساسات مذهبی مردم از طرف ساواک و زندان امری مورد سوء استفاده قرار میگرفت. مثلاً شایع میکردند که اگر امام خمینی و شیعیان پیروز شوند، اهل حق را خواهند کشت و یا از ایران اخراج خواهند کرد و سیل های آنها را خواهند برید.

### وضع دهات

دهاتی که از نظر اداری و تقسیمات کشوری جزء کرد محسوب میشوند، از نظر اقتصادی و روابط معیشتی و تولیدی و رفاهی پیوند چندانی با خود کرد ندارند و بیشتر آنها از نظر واقعی و اقتصادی و حتی جغرافیایی به شهرهای شاه آباد، سرپل ذهاب و کرمانشاه مربوط میشوند.

قصبه گهواره، مرکز ناحیه گوران، تا اندازه زیادی به کرد تعلق دارد، با قشر اداری و دکان و بازار مختصر. در اطراف گهواره باغات سیب فراوانی قرار دارد که اغلب در مالکیت افراد بخصوص و سرشناس است. بیوه بیوه دشتی است که از نظر فاصله مکانی از کرد چندین دور نیست، ولی بعلت فاقد بودن جاده قابل عبور، بخصوص در زمستان و ایام بارندگی، ارتباط چندانی مردم این ناحیه با کرد ندارند. ناگفته نماند که در زمان پهلوی یک پایگاه هوایی در دشت بیوه بیوه ساخته شده، که تا تمام مانده است. برای رفت و آمد به این پایگاه جاده خوبی از طرف ارتش کشیده شده، که بروی عامه مردم بسته بود و گویا رفت و آمد برای مأمورین غیر نظامی دولت، مثل مأمور بهداشتی و آموزش و پرورش هم ممنوع بود. اگر این جاده جهت استفاده تحت اختیار اهالی بیوه بیوه قرار گیرد، تأثیر زیادی در توسعه دهات و بهبود شرایط زندگی اهالی این ناحیه دارد.

منطقه قلخانی از تمام مناطق ذکر شده در بالا عقب افتاده تر و دور افتاده تر است. اهالی دهات نواحی مذکور بطور کلی از راه کشاورزی و دامداری امرار معاش میکنند. هنوز عده زیادی از اهالی دهات بیلاق و قشلاق میکنند. بیلاق و قشلاق در مسئله درس خواندن بچه های اهالی تأثیر سوئی دارد، گرچه فارغ التحصیلان دانشسرای عشایری شیراز، که باین مناطق اعزام شده بودند، تا اندازه ای از بطنی این مسئله کاسته بودند.

کشاورزی اهالی اغلب بصورت دیم صورت میگیرد و اغلب دهات در تهیه آب خوردن هم در مضیقه هستند. تراکتور به تعداد کمی در سرتاسر مناطق فوق وجود دارد، که آنها اغلب در مالکیت اشخاص بخصوصی از قبیل کدخدایان و دهقانان مرفه بعضی از دهات است.

سایر اهالی و دهات مجاور تراکتور را کرایه میکنند و یا اصلاً از تراکتور استفاده نمیکنند. بی آبی و عدم آشنائی اهالی با اصول کشاورزی و دامداری، باعث بازدهی کم در این دوره شده است. نبودن مراتع سرسبز هم از مهمترین علت های عقب ماندگی دامداری در این مناطق است.

اغلب دهات، مگر آنها که کنار جاده گهواره قرار دارند، فاقد راه اند و از نظر ارتباط با شهر، بخصوص در فصل سرما و بارندگی، دچار اشکالات زیادی هستند.

## ایجاد مصونیت برای عوامل دستگاه اعمال قهر و خیانت رژیم سابق خطر جدی برای انقلاب است

ضد انقلاب برداشته و شدت فعالیت خود افزوده است. این واقعیتی است آشکار. و نیز آشکار است که ضد انقلاب فعالیت خود را در تخریب، آتش سوزی، قتل، تفرقه افکنی، شایسته سازی بطور عمده با دست مأموران سیا، ساواک، موساد و نیز سازمانهای انجام میدهند که توسط همین مأموران تشکیل مییابند.

لذا اگر فرمان عفو که صادر شده، چنین تعبیر شود که فقط قاتلان و شکنجه گران و دستور دهندگان قتل و شکنجه قابل تعقیب و مجازاتند و دیگر مأموران ساواک، کارگزاران فعال رژیم شاه مخلوع، خائنان و سازماندهان عملیات ضد انقلابی مصون از مجازاتند، تعبیری زیان بخش خواهد بود.

ضرورت سرکوب ضد انقلاب، ضرورت متلاشی کردن صفوف ضد انقلاب ایجاد میکند که نه فقط قاتلان و شکنجه گران و دستور دهندگان مستقیم قتل و شکنجه مجازات شوند، بلکه سوابق و عمل تمام خائنان، تمام مأموران شبکه جهنمی ساواک و تمام مهره های عمده رژیم اختناق و خیانت گذشته مورد تحقیق قرار گیرد و هر کدام از آنها به نسبت کردارشان مجازات گردند. مؤکداً تصریح کنیم که منظور ما از مجازات، فقط اعدام نیست. اخراج از دستگاه دولتی، زندان، بدتهای مختلف نیز مجازات است. آنچه مسلم و ضرور است اینست که دستگاه دولتی باید از تمام کارگزاران رژیم سابق، از تمام مأموران شبکه جهنمی ساواک پاک شود. در غیر این صورت ضد انقلاب همواره مهره ها و عناصری برای اعمال نفوذ، برای سازماندهی عملیات ضد انقلابی در دست خواهد داشت.

مردم مشاهده میکنند که در این روزها افرادی بدون اعلام دلیل و بدون اعلام مشخصات و مشاغل که داشته اند، از زندانها آزاد میشوند. مردم نمیدانند که اینان بچه دلیلهای زندانی شده اند و بچه دلیل آزاد میشوند. همچنین مردم مشاهده میکنند که کسانی بدون اعلام دلیل دستگیر میشوند و زندان می افتند. این نحوه آزاد کردن و یا دستگیر کردن با مصالح انقلاب سازگار نیست. مردم باید احساس کنند و معتقد گردند که هیچکس بدون ارتکاب بزه دستگیر نمیشود و نیز احساس کنند و معتقد گردند که فقط بیگناهان آزاد میشوند.

اگر قرار باشد که کارگزاران و مهره های عمده رژیم سابق، خائنان و مأموران ساواک از پیگرد و مجازات معاف گردند، وقتی آنها فقط بدلیل اینکه مرتکب قتل نشده و یا شکنجه نداده اند، آزاد گردند، این عمل از یکسوزش و شور انقلابی مردم میکاهد و از سوی دیگر باعث گستاخ تر شدن عوامل ضد انقلاب میگردد.

از همین دیدگاه باید به سازمان «ضد اطلاعات» ارتش تکیه کرد. این سازمان در واقع در عمل «ساواک» ارتش است. این سازمان را اداره جاسوسی پنتاگون بوجود آورده و غده سرطانی ضد انقلابی در درون ارتش است. آنرا باید منحل کرد و افراد آنرا از ارتش اخراج نمود. این اقدام ضرور در راه پاکسازی ارتش و تبدیل آن به ارتشی ملی و مردمی است.

خلاصه ما خود را موظف میدانیم که هشدار دهیم. ابزار کار را باید از چنگ ضد انقلاب گرفت. ایجاد مصونیت برای عوامل ساواک، مأموران «ضد اطلاعات» ارتش، گرداندگان عمده دستگاه اعمال قهر و اعمال خیانت رژیم سابق، خطر جدی برای انقلاب است.

## دهقانان حسن لنگی آب می خواهند

حسن لنگی، یکی از روستاهای میناب است که بین بندرعباس و میناب قرار گرفته. مدت ۴ سال است که پل رودخانه حسن لنگی شکسته و بلااستفاده مانده است. آب این رودخانه قابل استفاده برای کشاورزی است و در این منطقه بی آب، نعمت بزرگی برای روستائیان است. رژیم گذشته، بنا به ماهیت ضد مردمی اش، هیچگونه اقدامی جهت ترمیم و آبیاری این منطقه بعمل نیاورد. این رودخانه بطرف دریا روان است، در حالیکه کشاورزان این منطقه باید همیشه چشم به آسمان داشته باشند و روستائیان این منطقه در این مسئله مصر بودند که اکنون دیگر پس از انقلاب، دولت باید امکاناتی را بوجود بیاورد تا آب بطرف این روستا و روستاهای دیگر روان گردد.

در ضمن مالکان این روستا با قدرت مالی خود توانسته اند پمپهایی را در رودخانه نگار بگذارند و آب را به محل زراعتشان برسانند و بقول معروف چون خرشان از پل گذشته، دیگر هیچگونه همکاری و پشتیبانی از این روستائیان بعمل نمی آورند و عملیات راه آنها

عقب ماندگی به تمام معنی کلمه در این مناطق دیده میشود. عدم بهداشت، درمان، لوازم اولیه زندگی و حتی نبودن توالت، بطوری که در ۲۰۰ تا ۳۰۰ دهاتی که در این مناطق قرار دارد، به غیر از توالت های مدارس، که آنها اغلب غیر بهداشتی و کثیف هستند، توالت دیگری در سراسر این مناطق وجود ندارد. عدم برنامه صحیح بهداشتی علت اصلی این امر است. در سرتاسر این ۲۰۰ تا ۳۰۰ دهه، ۲ یا ۳ درمانگاه غیر مجهز وجود دارد، که توسط دکتران هندی اداره میشوند. یکی از این درمانگاهها در گهواره قرار دارد. بارها میشود که نرسیدن به موقع مریض به درمانگاه و دکتر، باعث مرگ وی شود.

حالا که مسئله تامین مواد کشاورزی و ازدیاد تولید زراعتی و دامداری مسئله حیاتی روز است، توجه بوضع این روستائیان، واگذاری کلیه اراضی بخوددهقانان و ایجاد دوسایل رفاهی بویژه بهداشتی و آموزشی، کمال ضرورت را دارد.

## آیا راست است که دهقانان اطراف همدان را تبعید کرده اند؟

طبق خبری که از همدان، عمده ای از دهقانان اطراف شهر به استانهای دور دست تبعید شده اند. اگر این خبر صحت داشته باشد، وظیفه دولت است که جداً و سریعاً در این باره تحقیق کند و از دهقانان رفع ظلم کند.

جریان از این قرار است که دهقانان با ادامه سلطه و مالکیت اربابان بر زمینهای موسوم به شکرکهای مکانیزه کشاورزی موافق نیستند. این زمینها مال خود آنهاست و مالکان

## سرکوب ضد انقلاب در نیکاراگوئه

حکومت موقت باز سازی ملی نیکاراگوئه، در پی تسلیم نظامیان هوادار سوموزا، دیکتاتور فراری کشور، در بیانیه ای اعلام کرد که آزادی، عدالت و دموکراسی را به نیکاراگوئه باز میگرداند. حکومت بازسازی ملی، ضمن اشاره به قیام شکوهمند خلق نیکاراگوئه علیه سوموزا و اربابان آمریکایی او، از مردم خواست در شرایط حساس کنونی، که امریالیسم زخم خورده آمریکا دست اندر کار توطئه های رنگارنگ است، وحدت خود را حفظ کنند. حکومت موقت، که با حمایت و شرکت جبهه آزادیبخش ساندنیست و دیگر نیروهای دموکراتیک تشکیل گردیده

قول داده است که حاکمیت و استقلال کشور را در برابر توطئه های امریالیسم حفظ کند و مشکلات و ویرانیهای ناشی از رژیم سرسپرده سوموزا را هر چه زودتر حل نماید و در این راه از همه نیروهای دموکراتیک یاری جوید. در این میان یک مقام حکومت اعلام کرد که بیش از چهل نفر ارتشی در جریان قیام خونین خلق کشته شده اند. اما ضد انقلاب در نیکاراگوئه بیکار

نشسته است. یریشب سر سپردگان رژیم سرنگون شده سوموزا، هتل اقامت نمایندگان دولت موقت را مورد حمله قرار دادند. دولت اعلام کرد که شدیداً ضد انقلاب را سرکوب و هر توطئه ای را در نطفه خفه میکند و اجازه نمیدهد که ضد انقلاب دستاوردهای مردم را بباد دهد.

## اکاذیب ارتجاع در افغانستان

به گزارش تاس، نور محمد ترکی، رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، اعلام کرد که مردم افغانستان شر بهره کشان و مستبدان را از سر خود کم کرده اند و دیگر اجازه نخواهند داد اوضاع گذشته تکرار شود. تره کی ضمن تأکید بر یک پارچگی خلق عسای افغانستان، یادآور شد که هر چه کامیابی های زحمت کشان بیشتر میشود، مقاومت دشمنان انقلاب نیز سرسختانه تر میگردد و دشمنان مردم به بخش اکاذیب میپردازند و ادعا میکنند که گویا جمهوری دموکراتیک افغانستان مخالف اسلام است. تره کی تأکید کرد که مردم مصمم اند توطئه های ارتجاع را در هم شکنند و از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند.

# سخنی در باره شناخت جامعه کشور ما

از: احسان طبری

ما میکوشیم طی چند گفتار، که هر يك بنوبه خود از جهت موضوع مستقل است، جامعه ایران را بشناسیم و نیز میکوشیم تا این گفتارها را در آنجایی تنظیم کنیم که دریافت و فراگیری آنها برای آموزندگان تئوری انقلابی، از میان زحمتکشان آگاه یدی و فکری چندان دشوار نباشد.

طبیعی است که برای دریافت و فراگیری این گفتارها زمینه ابتدائی، شوق و تلاش آموختن لازم است. و نیز ممکن است که در اینجا و آنجا، برای آموزنده ستوایی یا اشکالی پیش آید، که ناچار باید آنرا در نزد آموزگاریا همزم آگاهتری روشن سازد.

امید است که طی آشناسدن با جامعه ایران، مادرعین حال یاد بگیریم که چگونه باید مسائل اجتماعی را تحلیل کرد، گره‌ها را در این کلاف سردرگم گشود، بفرنجی‌ها را بر طرف ساخت و کلیدهای حل مسائل اجتماعی را بکف آورد.

اینکار البته ضرورتاً تازمند، آگاه باشد. رزمنده آگاه، راه دشوارتر برد را بهتر می‌پیماید. حافظ شیرین سخن ما میگوید: «هر که دانسته رود، صرغه زاهد ابرود.»

آگاهی ما به خرد و تدبیر است، و خرد و تدبیر شرط پیروزی. رزمنده که آگاه شد، از یک کلمه‌یابی، مست و از یک ناگامی، ملول و مأیوس نمیشود، بهای خود و دشمن را خوب می‌شناسد، بین خود و مخالفان خود مرز درست میکشد، میدانند کجا باید عقب نشست و جرا، میدانند کجا باید دست به تعرض زد و جرا و غیره و غیره. برای شناخت جامعه دو نوع قوانین وجود دارد: قوانین عام و قوانین خاص.

۱) قوانین عام شناخت اجتماع، آن قوانینی است که برای همه جوامع بشری بنحویکسان صادق است، خواه آن جامعه ایرانی باشد، خواه هندی، خواه فرانسوی، خواه کانادائی و غیره.

مثلاً قانون تناسب و هماهنگی بین نیروهای مولده و مناسبات تولید، بعنوان شرط رشد سالم و بهنجار (طبیعی و نرمال) جامعه ما، يك قانون عام است. یعنی وقتی مناسبات تولید (یا به بیان دیگر مناسبات مالکیت) طوری نبود که مانع رشد سالم و طبیعی نیروهای مولده (یعنی افزارها و وسایل تولید همراه با انسانهای مولده، که آنها را بکار می‌برند) بشود این نیروها در چارچوب آن مناسبات (یا آن مالکیت) بدون بحران و جنگ و تصادم و کژروی رشد یابند، آنگاه می‌گوئیم که مسا بین نیروهای مولده و مناسبات تولید هماهنگی و تناسب حکمرواست. اما پس از چندی، سرانجام زمانی میرسد که این مناسبات مالکیت برای رشد نیروهای مولده نامناسب میشوند (مانند کشتی که برای پای رشد یابنده کودک تنگ میشود). آنوقت است که دوران بحرانها، جنگها، انقلابها میرسد، زیرا لازمه رشد آنی نیروهای مولده، پیدایش مناسبات نوین تولید، یعنی مناسبات نوین مالکیت است و جامعه در تب و تاب حل این معما می‌افتد.

فی‌المثل زمانی بود که مالکیت سرمایه‌داران بر ماشین و زمین مانعی برای رشد سریع و وسایل تولید نبود. برعکس، وسایل تولید، که تازه از جنگ مالکیت اشراف فئودال خلاصی یافته بود، در کشورهای سرمایه‌داری غرب، بسرعت روبرو شد نهادند. ولی بسا پیدایش اولین بحرانها، انقلابها، جنگها معلوم شد که تولید ماشین، که يك تولید اجتماعی شده است، نمیتواند دیگر در کالبد تصرف و مالکیت خصوصی سرمایه‌دار، بکنجد و نظام مالکیت دیگری می‌طلبد و جامعه به تکاپوی آن افتاده است که برای پای رشد یافته، کشتی مناسبی تدارک بیند.

این قانون تناسب یا هماهنگی نیروهای مولده با مناسبات تولید (مالکیت) يك قانون عام برای همه جوامع بشری است. این قانونی است که مارکس کشف آنست و از مهمترین قوانین عام و همگانی تکامل اجتماعی است. حال نمونه‌ای از قوانین خاص ذکر کنیم:

۲) اما اینکه سرمایه‌داری ایران در اثر اقتصاد تک‌محصولی (نفت) و طفیلی‌وار (از طریق سفته‌بازی زمین و مسکن و واسطه‌بازی در معاملات و سرقتی‌ها و اموالگیری از بانکها) و در زیر فشار خوردکننده امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکائیکلیس، از همان اوان زایش، شکلی ناهنجار داشته و بجای آنکه سرمایه بر پایه تولیدی (در صنعت) گسترش یابد، گسترشی نامعقول در زمینه مصرف‌شخصی و مصرف‌تولیدی پیدا کرده، این دیگر قانون عام سرمایه‌داری نیست، بلکه يك سلسله قوانین خاص سرمایه‌داری ایران است که در شرایط ویژه و ویژه کامل جامعه پدید شده است. به دیگر سخن، ما باید قوانین عام تکامل اجتماعات بشری را، که فلسفه، تاریخ و اقتصاد و دیگر علوم اجتماعی آنها را بیان میدارند، بر شرایط ویژه جامعه کشور خودمان به اصطلاح پیاده کنیم، تا قوانین خاص تکامل جامعه ایرانی را کشف نمائیم. یعنی ببینیم آن قوانین عام (که يك نمونه‌اش را ذکر کردیم و تعدادش زیاد است) در این شرایط خاص بجهت مشکل درآمده، یا اصلاً در این جامعه معین، چه قوانین خاصی بروز کرده است.

هم یادگیری قوانین عام و هم انطباق و پیاده سازی و هم کشف قوانین خاص، همه و همه کاری است که به دقت و تفکر علمی و تئوریک، همراه تجربه و پراتیک (یعنی عمل و مبارزه انقلابی) نیازمند است تا تئوری کاربرده یا انطباقی شکل گیرد و پدید شود.

اینکه که تصوری از قوانین عام و خاص بس دست آوردیم، به برخی مشخصات جوامع انسانی توجه کنیم. باید توجه داشت که جامعه بشری در يك جا و يك حال درجا نمیزند و باصلاح وضع ایستائی (ستاتیک) ندارد، بلکه دارای حالت تحرک و پویائی (دینامیک) است. یعنی جامعه بشری از گذشته به زمان حال میرسد و سپس بسوی آینده میرود و در این مسیر، يك روند تکاملی را طی میکند. یعنی بافت جامعه بفرنجی‌تر و پیچیده‌تر میشود و در آن ساختها و روابط نو پدید میشود.

این تکامل، هم در نیروهای مولده جامعه رخ میدهد و هم در مناسبات تولید، هم در زیر بنا و هم در روبنا، هم در فرهنگ مادی و هم معنوی. در اثر این تکامل، جامعه از مراحل و نظامات یا صورت-بندیهای میگذرد، مانند گله‌های انسانی، نظام ابتدائی (همبود نخستین)، نظام دودمانی (مادرسالاری و پدرسالاری)، نظام بردگی، نظام زمین‌سالاری (فئودالیسم)، نظام سرمایه سالاری (کاپیتالیسم)، و سرانجام آخرین شکلی که تا امروز وجود آمده، نظام جامعه‌سالاری (سوسیالیسم).

تبدیل و تحول جامعه در درون این نظامات، خود یکی از قوانین عام است، ولی جوامعی ممکن است گاه از يك نظام طفره بزنند، یعنی آنرا نگذرانند و یا نظامی را با مشخصات و ویژگیهای بگذرانند، مثلاً در کشور ما نظام دودمانی (بصورت بقاء طوایف و قبیایل یا ایلات و عشایر) از خود بسیار جان سختی نشان داده، یا نظام بردگی بشکل رمدیونان در ایران نبوده و بردگی بطور عمده بردگی خانگی بوده و آنها هم تا قرنهای دراز در دام آورده و یا نظام زمین‌سالاری در کنار مالکیت خورده دهقانی، بیش از دو هزار سال از تاریخ را اشغال کرده و یا نظام سرمایه سالاری، مدتها پیش، در بطن فئودالیسم ایران جوانه زده، ولی بعقل تاریخی و جنرفیائی که از آن یاد خواهیم کرد، رشد نکرده و وقتی رشد کرده (در اثر استعمار) راه تکامل فوق‌العاده نسالام و ناهنجاری را پیموده است. این ویژگیهای جامعه ماست و مثلاً در جامعه فرانسه یا انگلیس، ما این ویژگیها را نمیبینیم یا بدین شکل نمی‌بینیم.

پس جامعه طبق قوانین عام و خاص تکامل مییابد و ساخت (استروکتور) و روابط درونی خود را عوض میکند و بافت آن بفرنجی‌تر و سطح شعور اجتماعی آن بالاتر میرود و در فعالیت اعضا متشکله آن و شرکت آنها در عمل اجتماعی دمدم بیشتر و بیشتر افزوده میشود، یعنی يك حرکت اعتلایی و پیشرونده را طی میکند.

برای اینکه بررسی جامعه، جامع باشد، باید آنرا در سه بعد گذشته، حال و آینده دید. در سابق از بررسی دو بعدی (دیاکرونیک) در گذشته و حال صحبت میشد، ولی حال، به‌سرتک دانش پیش‌بینی علمی (پروگنوستیک) میتوان از بررسی سه بعدی (تری‌کرونیک) صحبت کرد. لنین میگوید: از سکوی آینده، حال را بهتر میتوان شناخت. شناخت آینده، با کمک قوانینی که در گذشته و حال موثراند، میسر است. زیرا اگر ما قوانین تحول پدیده‌های را بشناسیم، قادریم آینده آن پدیده را در کلیاتش پیشگویی کنیم (البته پیشگویی در جزئیات، یعنی اینکه چه حادثه‌ای کج و بدست چه شخصی روی میدهد، محال است. چنین پیشگوییها، غیب‌گویی است و غیب‌گویی کار علم نیست.)

همه این قوانین که گفتیم بامکمل میکند جامعه را از جهت کیفی بررسی کنیم، یعنی چگونگی روندهای اجتماعی را بیان داریم. اما جامعه را از جهت کمی هم میتوان بررسی کرد. مثلاً وقتی میگوئیم کشور ما دارای قریب ۳۵ میلیون جمعیت است، يك چهارم آن کویر است، قریب يك میلیون کارگر صنعتی دارد، قریب بیست میلیارد تن ذخیره نفتی آنست و غیره، برخی مشخصات کمی جامعه خود را بیان داشته‌ایم.

مشخصات کمی بخودی خود کلید عمده شناخت جامعه نیست و فقط هنگامیکه ابزار کار تحلیلی برای مشخصات کیفی قرار گیرد، چیزی است بسیار سودمند و لازم.

مثلاً ابتدا باید دانست که جامعه ایران سرمایه‌داری است. سپس باید دانست که در طبقه اصلی جامعه سرمایه‌داری، سرمایه‌داران و کارگران و آنگاه باید دانست که کارگران صنعتی هسته مرکزی طبقه کارگر است و در اینجا است که بدانی که، تمداد کارگران صنعتی ایران (در صورت فعالیت همه موسسات صنعتی) به قریب یک میلیون بالغ میشود. اگر آن مشخصات کیفی را ندانیم، آمارها، جدا از قوانینی که چگونگی جامعه را توضیح میدهند، چیز زیادی را افشا نمیکند. بهره‌بازی با آمار، در آن حال، فقط میتواند ابزار سفسطه و اثبات احکام غلط باشد، نه بیش.

گفتار بعدی، نقش عوامل جنرفیائی در تکامل جامعه (ایران)

## گفتگوی توده‌ای بابرادران و خواهران مبارز مسلمان

من توده‌ایم،  
اختیار است جاودانه،  
در سراسر زندگی بر رنجم،  
و پس از مرگم که هرگز وجود ندارد.  
آئینه...

(چه نعمت بزرگی است)  
در آن مینگریم،  
خود را می‌آریم،  
به پیشوازت می‌آیم،  
و ترا،  
برادر درخون آغشته‌ام را  
خواهر بزنجیر کشیده‌ام را  
دوست درسنگر رزمنده‌ام را،  
در آغوش میکشم و می‌گویم،  
از فرزندان ارانی،  
ازرقای روزه،  
از دوستان حکمت‌جو.

☆☆☆

من می‌گویم، زمین مال روستا،  
و تو میکوشی: الزرع الزارع ولو کان غاصبا  
من می‌گویم، عفت و آزادی برای زنان و مردان.  
تومی‌گویی، الجنت تحت الاقدام الامهات.  
من می‌گویم، دانش برای مردان و زنان.  
تومی‌گویی، طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة.  
حرف مایکوست،  
حق، مساوات، آزادی.  
پس دعوا بر سر چیست؟  
من رنجبرم، تومی‌ستم کش  
من بندگس، تو عاشق حق.  
بیدار و بیدار دل باشیم،  
«اوزوم»، «عقب»، «انکور».  
این هر سه گفتار یکبست،  
و ما هر دو میخواهیم،  
محو ظلم و استثمار،  
آزادی اندیشه و کار.

☆☆☆

شاه میهن فروش،  
مرا «میهن فروش» میخواند.  
من، جان بر سر میهن داده‌ام،  
چه کسی میتواند میهنم را،  
مادر پدر، برادران و خواهرانم را،  
که با هم يك جا نفس کشیده‌ایم،  
در يك زندان خفته،  
در میدان شهدا،  
بخون هم آغشته شده،  
در بهشت زهرا،  
به يك گور سپرده شده‌ایم،  
چه کسی میتواند،  
تمام عشق و علاقه ناکام را،  
از من باز ستاند؟  
چه کسی حق دارد،  
حق گفت و شنود،  
حق دفاع را،  
از من باز ستاند؟  
و آنچه که خود میخواهد،  
بنام من جعل کند،  
و مرا بهر آنچه یاره است،  
متهم سازد....  
آن مردك آدم‌خوار،  
با دستگاه جهنمی ساواکش،  
مرا «توکر اجنبی» میخواند.  
مانند دزدی که فریاد میزند،  
«دزد را بگیر»  
و زمان بر ملا کرد که،  
خائن کیست، خادم کیست؟

☆☆☆

در دنیا دو چیز بیشتر نیست،  
حق و ناحق،  
ظالم و مظلوم،  
آزادی و اسارت،  
نا برابری و مساوات،  
آری، ما با هم برابریم،  
آری، ما هر دو يك چیز میخواهیم، آزادی و مساوات،  
عدل و حق.

ز. ن. شمسی = ۱۳۵۷

### از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

رضا	يك دستگاه ماشین تحریر	دانش آموز ۱۶ ساله از زنجان
ع. ج.	۵۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
گروهی از هواداران حزب دراوز	(این حاصل اولین روز کار و رنج من است)	۶۰۰۰۰ ریال
اسماعیل	۵۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
هدیه عرسی سیمین و مهدی دوسکه	نیم پهلوی و دوسکه ربی	۱۵۰۰ ریال
عباس	۱۵۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
۱۹۱۷	۱۰۰۰ ریال	۱۴ از شیراز